

بمباران شیمیایی سردشت

اعلام نمود، جمهوری اسلامی ۱۶ روستای عراقی در شرق استان اربیل و شمال استان سلیمانیه را هدف بمبارانهای شیمیایی قرار داده است. برپایه گزارش عراق، سازمان ملل تصمیم به اعزام دو هیات به دو کشور ایران و عراق بمنظور بررسی کاربردهای سلاحهای شیمیایی گرفت. در پی این تصمیم سازمان ملل، جمهوری اسلامی اتخاذ این تصمیم را ناشی از مداخله "عوامل مغرض در این سازمان" خواند و با اعلام اینکه چون سازمان ملل موضع بی طرفانه در جنگ ایران و عراق ندارد، تکرانی خود را از سفر هیات اعضای سازمان ملل ابراز داشت. همچنین مسئولین طراز اول رژیم، با تاکید بر اینکه "اصل جنگ ما از مدتها پیش مقابلہ بمثل است"، رژیم عراق را به استفاده "گسترده" و "بهره گیری از همه امکانات" در جنگ شیمیایی تهدید کردند.

بدنبال بمباران سردشت، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در تاریخ ۸ تیرماه طی یادداشتی برای دبیرکل سازمان ملل متحد، نسبت به کاربرد بمبهای شیمیایی توسط عراق اعتراض کرد. در این یادداشت گفته شده است که کاربرد مجدد سلاحهای شیمیایی از سوی عراق، نتیجه فقدان اقدامات موثر سازمانهای بین المللی و از جمله سازمان ملل است. این در حالی است که رژیم جمهوری اسلامی ضمن اینکه خود از سلاحهای شیمیایی در جنگ استفاده

در هفته گذشته خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد که نیروی هوایی عراق شهر سردشت و مناطق مسکونی حومه آن را بمباران کرد. طبق همین خبر در این بمباران از بمبهای شیمیایی استفاده گردید و طی آن عده ای از اهالی سردشت کشته و مجروح شدند. در حال جاری، اولین دور کاربرد وسیع گازهای شیمیایی و سی در جبهه های جنگ در اردیبهشت ماه صورت گرفت که در جریان آن، هردورژیم چنایتکار یکدیگر را به استفاده از سلاحهای شیمیایی متهم کردند. در جریان جنگ شیمیایی اردیبهشت ماه، رژیم عراق با تسلیم گزارشی به سازمان ملل متحد

اکبر

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۵ تیر ۱۳۶۶ برابر ۶ ژوئیه ۱۹۸۷
بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۶۴

انتخابات آینده مجلس و کشاکش های درون حکومت "هجمه سرنوشت ساز"

در انتخابات آینده مجلس، هریک از جناحهای درون حکومت، مصممند که دست به یک "هجمه سرنوشت ساز" بزنند. تاریخ برگزاری انتخابات، اسفندماه امسال اعلام شده است. دور کنونی مبارزه انتخاباتی، مبارزه بر سر تدارکات "هجمه سرنوشت ساز" است، مبارزه بر سر سست هایی که مستقیماً به نحوه برگزاری انتخابات مربوط می شوند و مبارزه بر سر چگونگی بهره گیری هر جناح از امکانات تبلیغاتی.

با انحلال حزب جمهوری اسلامی، مضمون کشاکش ها پیش از گذشته شکل ملوک الطوایفی به خود گرفته است. در گذشته وجود دفتر حزب "فراکبر" در همه شهرها و شهرستانها، وزنه سنگینی را وارد کشاکش ها می کرد و به نزاعها جهت می داد. بخشی از این نزاعها در درون خود حزب جمهوری اسلامی و شعبات و اقامات آن بود. اکنون حوزه های علمیه کوچک و بزرگ امام جمعه های ریز و درشت، آیت الله ها و جهات الاسلام های رنگارنگ، فرماندارها، استاندارها، سران بازار، نماینده های کنونی مجلس و... همگی به جان هم می افتند، درخفا پارکبیری می کنند، متحد می شوند، موثلف می گردند تا بتوانند در برابر هم بایستند و مسابقه را ببرند.

در هفته گذشته، کوشش شد جلوی قلب بندی حول امام جمعه ها را بگیرند. بنابر نظر خود خمینی و تمایل پاندرفسنجانی "دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه" در زمینه عدم شرکت امام جمعه ها در مبارزات

انتخاباتی تمهیداتی اندیشید که خمینی بر آنها صحه گذاشت. موضوع بدین صورت اعلام عمومی شد که دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه در این مورد از خمینی "استجازه" (طلب اجازه) کرد و خمینی نظر آنها را "مستجاز" نمود. متن استجازه دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه - که در اخبار روز ۹ تیر از رادیوی جمهوری اسلامی پخش شد، بدین شرح است:

بقیه در صفحه ۲

کنگره جهانی زنان در مسکو

* هیات نمایندگی زنان فدایی به سرپرستی رفیق رقیبه دانشگری عضو کمیته مرکزی سازمان در کنگره مسکو شرکت کرد

کنگره های کرملین، ضمن سخنانی به نمایندگان کنگره جهانی زنان خوشامد گفت. وی اظهار داشت جنبش بین المللی زنان به صورت عاملی واقعی در سیاست امروز جهان درآمده، نیروی صلح را به گونه ای محسوس تقویت کرده و جهان را وادار ساخته است به سخن این جنبش گوش دهد.

رهبر شوروی خاطرنشان ساخت وضع زنان، مواضع دمکراتیک هر کشور و نشانه رعایت حقوق بشر در آن کشور است، و سطح آزادی زن، نموداری طبیعی از آزادی کل جامعه محسوب می شود. کارپاجف افزود: "به گفته لنین، تا وقتی آزادی زن از

در روز سه شنبه ۲۲ ژوئن، نمایین کنگره فداسیون بین المللی زنان دمکرات، که امسال تحت عنوان کنگره جهانی زنان برگزار شد، در مسکو کشایش یافت شعار این کنگره عبارت بود از: "پیش به سوی سال ۲۰۰۰ بدون سلاحهای هسته ای! در راه صلح، برابری حقوق و پیشرفت". ۲۷۰۰ نماینده از ۱۵۴ کشور جهان، در مسکو گرد آمدند تا وظایف آتی مبارزه بین المللی زنان در راه اهداف بازنات یافته در شعار کنگره را تعیین کنند.

میخائیل کارپاجف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، با حضور در تالار کاخ

در این شماره

شکاف در بنای یوسیده آپارناید

در صفحه ۱۱

تنبیت بها و مقابله بانوسانات بازار نفت

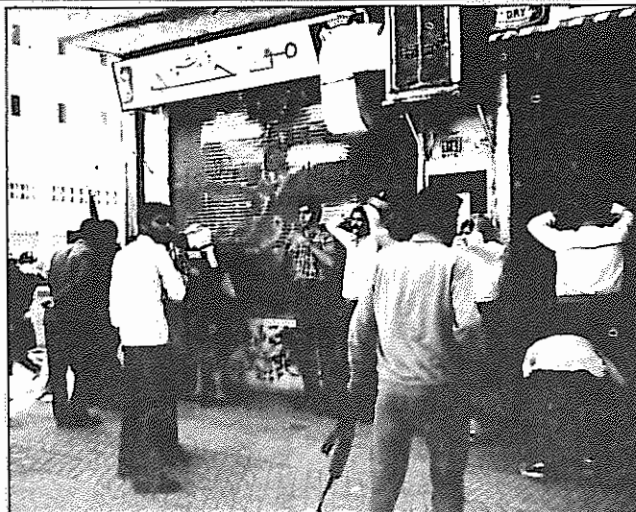
در صفحه ۷

تفسیر بورژوازی از "حق پناهندگی"

در صفحه ۱۴

عقب نشینی دیکتاتوری کره جنوبی

در صفحه ۱۵



شهران سبگیر و پهنند خیابانی

"نیروهای انتظامی، آئینه نظام جمهوری اسلامی هستند". این مطلب را محتشمی وزیر کشور خمینی روز سه شنبه دوم تیرماه در جلسه مشترک مسئولان اطلاعاتی و امنیتی رژیم که در تهران برگزار شد، اظهار کرد...

در صفحه ۴

مباحثه آخوندی

پیرامون خلا قانون

"لکن، من بنا ندارم صحبت کنم؛ خمینی را در روز ۱۴ خرداد اسما را به خاطر داریم. این جمله را خمینی در پاسخ به عجز و لایه رفسنجانی مبنی بر این که حرف بزن، تکلیف اختلافات ما را روشن کن و ما را از خلا قانون در آورد، گفت. اکنون آذری قبی به اظهارات آن روز هاشمی رفسنجانی پاسخ داده است.

هاشمی رفسنجانی خطاب به خمینی گفته بود "این یک واقعیتی است که برای اولین بار در تاریخ حکومت اسلامی مباحثش دارد تدوین می شود. فقیه که در دوران ۱۴۰۰ ساله در میان ملت به عنوان مقام حاکم، مهجور بوده، می خواهد وارد زندگی انسانها بشود." وی پس از بیان مطلب نتیجه گرفته بود از آن جهت که فقه تکلیف قوانین مملکت داری را روشن نکرده است، ولی فقیه باید وارد میدان شود و "خلا قانون" را پر کند. آذری قبی - از سردمداران باصلاح خودش "جناح فقهانی" مجلس - سرمقاله رسالت ۲۲ خرداد را بدون نام بردن از رفسنجانی با گفته او در حضور خمینی آغاز میکند و می نویسد، "بعضی از افراد اشکال می کنند که چون حکومت ایران اسلامی یا جمهوری اسلامی ایران، به تازگی تشکیل شده و سابقه تاریخی ندارد، لذا قوانین مطرح شده در گذشته، از شرایط مقتضیات روز بریده است و نسبت به آنها بحثی در کتب فقهی انجام نگرفته و همه آنچه در گذشته انجام گرفته، بدون توجه به حکومت اسلامی بوده است."

آذری قبی در ادامه این سرمقاله، به "اشکال" رفسنجانی چندین تن "اشکال" گرفته و گفته است فقه تکلیف همه چیز را روشن کرده و "اگر اشکال کنندگان، هدفی را که اسلام تحقق آن را خواسته، بپذیرند (یعنی که حضرت حجت الاسلام رفسنجانی هدف اسلام را نمی پذیرد)، قدرت حل مشکلات و معضلات جامعه و اداره امور کشور را با قوانینی که فقه اسلام دارد، خواهند پذیرفت و هرگز خود را در خلا قانونی محصور نخواهند دید."

آذری قبی در ادامه همین بحث در سرمقاله های بعدی رسالت راه خروج از "خلا قانون" را تبدیل مجلس به دارالترجمه دیده و گفته است، تنها وظیفه آن است که مجلس قوانین فقه را از عربی به فارسی ترجمه کند!۱

انتخابات آینده مجلس و کشاکش های درون حکومت

بقیه از صفحه اول

"محضر مبارک بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران... دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه سراسر کشور، پس از شور و مشورت بدین نتیجه رسیده است که از حضور مبارک استیضاح نموده و در صورتی که اجازه بفرمایید، تذکرات برادرانه ای به ائمه جمعه سراسر کشور و ستادهای نماز جمعه داده شود.

۱- براساس تجربیات حاصله از انتخابات دور اول و دوم مجلس شورای اسلامی و بروز اختلافات در پاره ای از شهرها، بدین وسیله به آقایان محترم ابلاغ شود از معرفی افراد به عنوان کاندید و موضع گیری له یا علیه اشخاص و استفاده انتخاباتی از تریبون نماز جمعه خودداری کنند. ۲- در صورتی که برخی از ائمه جمعه تصمیم دارند، در انتخابات آینده خود را کاندیدا نمایند، لازم است از سه ماه قبل از انتخابات، از دبیرخانه امامت جمعه استعفا داده تا دبیرخانه نسبت به انتخاب جانشین و اجد شرایط، تصمیمات مقتضی را اتخاذ و اقدامات لازم را معمول دارد. ۳- ستاد نماز جمعه سراسر کشور از سه ماه قبل از انتخابات حق ندارد از کسانی که خود را می خواهند کاندیدا نمایند بعنوان سخنران قبل از خطبه ها استفاده کنند بدین است ستاد باید از شخص مدعوقلا سؤال کند.

۴- دبیرخانه دوستانه و قاطعانه از آن دسته از ائمه جمعه که مایل به شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی هستند، می خواهد سکر امامت جمعه را رها نکرده و در حوزه مسئولیت خود کافی السابق به خدمات و تلاشهای صادقانه خود ادامه دهند و بدانند که

ثمرات وجودی آقایان در سکر امامت جمعه از سنگی مجلس شورای اسلامی کمتر نبوده و موجبات خرسندی خداوند متعال و امت حزب الله را فراهم می سازند. بدین است که در صورت تخلف از مواد فوق از سمت امام جمعه عزل و ستاد نماز جمعه منحل خواهد شد. چنانچه امام امت موافقت بفرمایند، فقط امام جمعه و ائمه جمعه موقت تهران، از این حکم مستثنی باشند."

خمینی در پاسخ به این "استیضاح" نوشته است که "موافقت می شود."

یک روز پس از انتشار خبر این "استیضاح"، "خبر" "استیضاح" ی دیگری پخش شد. ۴ نفر از نمایندگان مجلس نامه زیر را برای خمینی نوشتند و از او در رابطه با برخی دیگر از جنبه های مبارزه انتخاباتی استفتا کردند.

"... با سلام خدمت آن امام بزرگوار، در انتخابات دوره قبل حضرت عالی نسبت به معرفی کاندیدا برای حوزه های مختلف از سوی احزاب و جمعیت های سیاسی و مذهبی، اعلام مخالفت فرمودید. باتوجه به نزدیکی زمان انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی، از مقام مقدس رهبر گرانقدرمان تقاضا می کنیم به سوالات ذیل پاسخ فرموده و همگان را نسبت به وظایف شرعی، آگاه فرمایید.

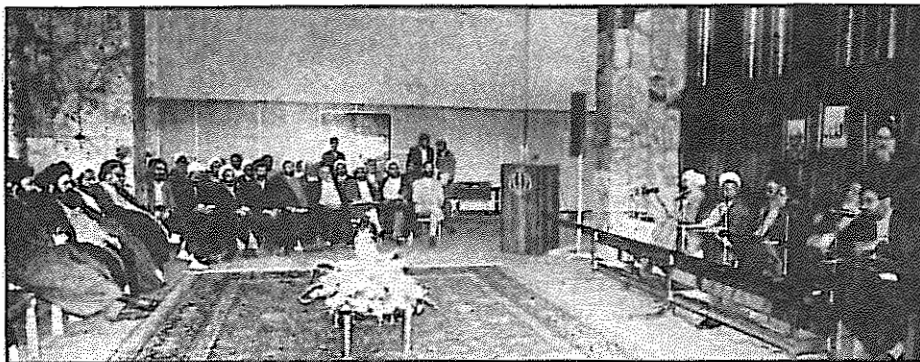
۱- آیا در این دوره، گروهها و جمعیت های مختلف سیاسی و مذهبی می توانند از تهران و یا قم برای شهرهای مختلف ایران و یا از هر نقطه برای مناطق دیگر، کاندیدا معرفی نمایند؟

۲- آیا می توان در رابطه با تبلیغ

کاندیداهما، از وجوهات شرعی و بیت المال و یا از اموال دولتی و عمومی که در اختیار نهادهای گوناگون است، استفاده نمود؟

امضاء مهدی کروی - عبدالله نوری - حسین هاشمیان - محمد علی هادی. خمینی به این استفتا چنین پاسخ داد، "باین که اینگونه سئوالها و جوابها اکنون زود است، معذرت می خواهم. فرد و گروهی هیچ نهاد سازمان و حزب و دفتر و جمعی نمی تواند در حوزه انتخابات دیگران دخالت نماید و برای غیر حوزه خود فرد یا افرادی را کاندید نموده و آنان را تبلیغ نماید. در شرایط کنونی به هیچ وجه و به هیچ کن اجازه نمی دهم تا از سهم مبارک امام علیه السلام و یا از اموال دولت و اموال و دفاتر سازمانها و مجامع و اموال عمومی خرج انتخابات کنند. باید مردم را برای شرکت در انتخابات تشویق کرد. انشالله نظرم را در این مورد بعدا اعلام خواهم کرد. روحانیون محترم حوزه های انتخاباتی سعی کنند در حوزه خود از افراد و گروههای مسلمان که در انتخابات کاندیدا شده و یا از کاندیداهای مورد علاقه خود طرفداری می کنند، چون پدری مهربان باشند و آنان را با دیده محبت بنگرند."

به این فتواها همانگونه تمکین خواهد شد که به صدها فتوای دیگر ابر آخوند جمهوری اسلامی در زمینه حفظ وحدت، همچنانکه سخنرانی های پیاپی خمینی در زمینه حفظ وحدت در میان فقها، نشان دهنده اوچ گیری اختلافات است، این فتواها نیز که از این پس پیاپی صادر خواهند شد، نشان دهنده کشاکش حادی است که بر سر انتخابات و تدارکات "همه سرنوشت ساز" انتخاباتی جریان دارد.



یکی از مهره های جناح رفسنجانی می گوشت در پست نخست وزیری باقی بماند و از همین رو به اشاره سران جناح خود اهرم وزارت کشور را به کار گرفته است تا نفوذ جناح حاکم بر دولت، در انتخابات و مراحل اجرایی آن تحکیم شود.

این عکس، سران حکومت را به نمایش می گذارد. همه عامه بر سر دارند به جز موسوی که چیزی از آخوند بودن کم ندارد. اکنون اجل دور رس او می رسد. انتخاباتی در راه است که ممکن است زیر پای او را خالی کند. او به عنوان

کشاکی بر سر قدارکات "هجمه سرنوشت ساز"

عزل و نصب های اخیر وزارت کشور، به اختلافات درون حکومتی دامن زده است. حساسیتی که بر سر این عزل و نصب ها نشان داده می شود، به دلیل تاثیر آنها بر روی انتخابات آینده مجلس است که وزارت کشور و سلسله مراتب تحت مسئولیت آن - استانداران، فرمانداران و بخشداران - عهده دار برگزاری آن است.

حجت الاسلام محتشمی وزیر کشور علت عرض کردن ترکیب عده ای از استانداران و فرمانداران را در پاسخ به سؤال نماینده پندرعاس در مجلس، چنین توضیح داده است، "هر کسی که مخالف دولت باشد، ما بدون رودربایستی کنارش می گذاریم". (رسالت ۲۱ خرداد) اما علت روشن تر عزل و نصب هارا "یکپاز آقاییان ائمه جمعه" از زیر زبان یکی از معاونین وزارت کشور، بیرون کشیده است. این آقای امام جمعه خود راهم خط با وزیر کشور، کاپینه موسوی و جناح رفسنجانی چارده و به دنبال این نقش بازی کرده و بی پرده که موضوع اصلی، انتخابات آینده است. نماینده پندرعاس در مجلس که پاند او در استان هرمزگان از سوی پاند جاکم بر وزارت کشور حلف شده است و از این رو از مخالفان وزارت کشور است، جریان این امام جمعه را چنین توضیح داده است، "یکی از آقاییان ائمه جمعه پس از تعویض فرماندار کرمان رفته خدمت جناب آقای وزیر کشور، سلام علیکم، علیکم سلام،

صحبت های مفصلی کردند با تنکاتنگ هم نشستند حرف زدند. پس از اتمام صحبت های آقای امام جمعه با آقای وزیر کشور، تمام شده، خدا حافظ، خدا حافظ، یکی از معاونین رسیده شروع کرده به مطلب گفتن. آقا خیال کرده مثلا هم اندیشه و هم برنامه مستند، برگشته گفته که ما اگر بخواهیم در آینده مجلس یکدست داشته باشیم، ناچاریم تمام استانداران و فرمانداران را عوض بکنیم و آقای محتشمی مشغول این کار است." (رسالت ۲۱ خرداد)

در میان عزل و نصب های اخیر وزارت کشور، تعویض استاندار خراسان و جمعی از فرمانداران شهرهای این استان، بیش از بقیه، از کشاکی های درون حکومت، پرده برگرفته است. استاندار قبلی استان خراسان کوهپایی نام داشت که مورد حمایت واعظ طهسی (نماینده خمینی و نایب التولیه) بود. واعظ طهسی از نزدیکان خامنه ای است و گفته می شود که خامنه ای امیدوار است در آینده او رئیس جمهور شود. خامنه ای خود حساسیت خاصی بر روی استان خراسان دارد. او از آخوندهای حوزه علمیه مشهد بوده است و به روحانیت خراسان بعنوان مهمترین پایگاه حمایتی خود می نگرد. کوهپایی، پیش از این که استاندار خراسان شود، استاندار اصفهان و جزو پاند خادمی نماینده خمینی در این استان بود. در جریان درگیری های خادمی با طاهری

امام جمعه اصفهان، کوهپایی از سمت استانداری اصفهان برداشته شد، اما به دلیل نفوذی که داشت لقمه چربتری گیرش آمد و استاندار خراسان شد.

به دنبال عزل و نصب های وزارت کشور در استان خراسان، امام جمعه های این استان در روزهای ۲۷ و ۲۸ خرداد جلسه ای تشکیل دادند و نامه اعتراضیه ای علیه وزارت کشور، انتشار دادند. اولین امضایی که در زیر این نامه به چشم می خورد، امضای ابوالحسن شیرازی، امام جمعه مشهد است.

روزنامه رسالت در شماره ۲۰ خرداد خود این نامه را انتشار داد و برای این که ثابت کند جعلی نیست، در شماره ۲ تیر خود اصل نامه را کلیشه کرد. روزنامه کیهان که به جناح مقابل وابسته است و فعلا نه از وزارت کشور دفاع می کند در مقابل رسالت، از همین شیوه بهره گرفت و به نوبه خود نامه ها و اطلاعیه هایی را در تأیید عزل و انتصاب های تازه در استان خراسان به چاپ رساند.

در روز ۲۷ خرداد اعلام شد که سید محمد طه طاهری، معاون اداری و مالی وزارت کشور با حفته ست به عنوان سرپرست استانداری خراسان برگزیده شده است. عنوان "سرپرست استانداری" نشان دهنده حالت موقت این انتصاب و ناتوانی وزارت کشور در پیش برد خط جناح حاکم برخورد بود. این ناتوانی مورد

استقبال امام جمعه مشهد و نیز واعظ طهسی قرار گرفت. امام جمعه مشهد به وزیر کشور "تکبراف زد و از این "حسن انتصاب" استقبال کرد. سروصدا در حال فروکش کردن بود که در روز چهارشنبه هفته گذشته پس از تشکیل جلسه هیات دولت اعلام شد که استاندار تازه ای برای استان خراسان برگزیده شده است. استاندار تازه امیرحسین عابدینی نام دارد. بدین ترتیب توافق دو هفته ای بر سر استاندار موقت بهم خورد و از نو دست کشی در این زمینه آغاز گشت.

استان خراسان اکنون شرایط پیچیده تری از اصفهان دوران نزاع طاهری - خادمی دارد. تعادل شکننده است و فقها می روند که در این خطه آشکارا دست بر گلولی یکدیگر بگذارند. این وضعیت صرفا ویژه استان خراسان نیست. در همه استانها کمابیش با چنین وضعیتی مواجه می شویم. جناح های مختلف اکنون به انتخاباتی که در راه است پناهر اصطلاحات چنتی خود به چشم یک "هجمه سرنوشت ساز" می نگرند. در این "هجمه سرنوشت ساز" خاکریز اول است هایی است که مستقیما به نحوه برگزاری انتخابات مربوط می شوند. دور اول دور کشاکی های بین نمایندگان خمینی، امام جمعه ها، استاندارها و فرماندارهاست. این کشاکی، کشاکی بر سر قدارکات هجمه سرنوشت ساز است. حمله اصلی که آغاز شد، فقها در جلوی صحنه چنگ درنخاندان یکدیگر خواهند افکند.

از مشکلات فقها در دانشگاه

آنچه در زیر می خوانید، بخش هایی از یک نوشته روزنامه رسالت (۲۲-خرداد) است. روزنامه رسالت ضمن اینکه دانشگاه ها و موسسات عالی آموزشی کشور را "لهه یرتگاه سقوط" نامید، این نوشته را به مناسبت برگزاری کنکور درج کرد. این روزنامه خواستار شد که به "وضع اسف انگیز اختلاط در دانشگاه ها" خاتمه داده شود. اظهار نظر هایی از این دست، طی هفته های گذشته که مصادف با برگزاری کنکور سراسری بود، در نشریات و رادیو تلویزیون رژیم از طرف مسئولین و دست اندرکاران رژیم فقها کم نبود. نوشته ای که ما قسمتهایی از آن را برگزیده ایم مثنی است نمونه خروار. این نوشته تنها زوایایی از اندیشه های متعفن حاکم و آرزوهای ماورای ارتجاعی آنان را بازتاب می دهد و خود بی نیاز از هر گونه تفسیری است.

"فرزند انمان ... بعد از سن ۱۸ سالگی و اتمام دبیرستان که اوچ دوران بلوغ است، متاسفانه وارد محیط مختلط دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی می شوند و همه زحمتهای رنجی می تواند بر بادرود. چرا؟! زیرا معمولا محیط دانشگاه مختلط است. مگر فتوای حضرت امام (خمینی) ترک رویت وجه و کفین نامحرم (صورت و دو کف دست تاج) به احتیاط واجب نیست ... پس علت استمرار این روش چیست که اگر فرد چسما آلوده نشود آلودگی روحی و ذهنی پیدا می کند و تاثیرات نامطلوبی بر فرد و اجتماع دارد که فقط به بعضی از آنها در محیط دانشگاه اشاره می گردد.

۱ - فساد اخلاق - جوانان خواهان خودنمایی هستند (خسوسا زنان) با لباس و کفش و جوراب و آرایش و زینت آلات و استعمال عطریات و کیف و حرف زدن - جزوه

گرفتن و دادن - نمره و نامه و تایید و ... که گاه به صحبت دختر و پسر در محیط دانشگاه هم کشیده می شود و این سبب فساد است.

۲ - پایین آمدن سطح علمی و آموزش - اگر فردی متدین باشد حواش بی درس نیست و می خواهد خود را حفظ کند (چه متاهل چه مجرد) و اگر بی بند و بار و چشم چران باشد باز هم حواش به درس نیست. فردی که کنفرانس می دهد طبیعی است که به همه مستمعین (دختر و پسر) بنگرد و پاسخ سوالات آنها را بدهد یا مستمع بایستی به گوینده توجه کند تا بهتر مطلبش را یافته و بتواند سؤال کند و این مشکلی است در کلاسهای مختلط.

۳ - تغییر الگوی ازدواج - وقتی افراد مختلفی از سطوح اجتماعی مختلف با افراد متفاوت و دارای حسنات مختلف برخورد می کنند مگر قانع به ازدواج با خویش شده و خواستار زنی پاهم سری جامع حسنات شده و اینها باعث عدم

تعادل در وضع ازدواج خواهد شد. ۴ - عدم رعایت تقوی و ورع - ترک مستحبات و عمل به مکروهات مثلا نشستن در جاهای گرم زن که مکروه است - استعمال عطریات زنان در جوامع که کراهت شدید دارد - شنیدن صدای نامحرم - تماس با گوشی تلفنی که حرارت و عطرفنس مخالف قبلی را داراست و اتفاقات ... یا گاه فردی می خواهد در کلاس بنشیند تا استاد بیاید و جنس مخالفی هم می آید فلذا باید بیرون برود تا دو نامحرم در یک محیط بنشینند. لذا اگر کنهه و یا گناهانی از این وضع صورت گیرد متوجه آنان خواهد شد که توانایی جداسازی را نداشته اند و اقدامی نکرده اند و اگر این امر مهم انجام شود سنت حسنه ای خواهد شد که با قیات الصالحات مسئولین و مجریان و روش و الگویی برای پیاده شدن در سایر کشورهای خواهان اسلامی کردن محیط دانشگاه خواهد بود ..."

کردستان همچنان

محور درگیری نظامی ایران و عراق است

منطقه کردستان هفته گذشته نیز کانون درگیریهای مهم نیروهای جمهوری اسلامی و رژیم عراق بود. به گزارش واحد مرکزی خبر، پاسداران جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۷ تیر، عملیات "فتح ۷" را در این منطقه آغاز کردند. ستاد ارتش و پاسداران جمهوری اسلامی در اطلاعیههای خود با ذکر نام پنجویں، حلبچه، سید صادق و شاندرلی به عنوان محور عملیات "فتح ۷"، ادعا کردند که شهرهای سید صادق و حلبچه را ۴ ساعت در اشغال داشتند. تلفات عراق در این مرحله از درگیری ۲۵۰ تن اعلام شد. خامنه ای در نماز جمعه ۱۰ خرداد، اقدامات نیروهای جمهوری اسلامی در منطقه شمال کردستان عراق را یک حرکت سیاسی و نظامی خواند.

رژیم عراق ضمن تکذیب ادعای جمهوری اسلامی، گزارش داد که نیروهای آن کشور در چپه شمالی و هم در خلیج فارس ضربات سنگینی به مواضع جمهوری اسلامی وارد کرده اند.

همچنین روز چهارشنبه ۱۰ تیر عراق اعلام کرد که هواپیماهای آن کشور یک نفتکش جمهوری اسلامی را در خلیج فارس مورد حمله قرار داده اند. منابع کشتیرانی در بحرین ضمن تایید این خبر، افزودند نفت کش ۲۷۰ هزار تنی "دنا" برای پنجمین بار هدف حمله نیروهای عراقی قرار گرفت و صدمه دید. "دنا" در حال حمل نفت از خارک به پایانه سیری بود.

خمینی: اختلاف آرا قابل رفع نیست!

به گزارش واحد مرکزی خبر، اولین جلسه پنجمین اجلاس سه سالانه "مجلس خبرگان" روز دوشنبه ۸ تیر به ریاست مشکینی امام جمعه قم تشکیل شد. در این جلسه، اعضای کمیسیون تدوین آیین نامه داخلی و انتخابات مجلس خبرگان، اعضای کمیسیون بودجه و امور مالی، اعضای هیات تحقیق، اعضای کمیسیون اصل ۱۰۷ و ۱۰۹ و اعضای هیات رئیسه انتخاب شدند. پنا به گزارش همین خبرگزاری در این جلسه، مشکینی به عنوان رئیس و هاشمی رفسنجانی به عنوان نایب رئیس اول در سمت خود ابقا شدند. ابراهیم امینی از مدرسین حوزه قم، طاهری خرم آبادی و محمد مومن سایر اعضای هیات رئیسه را تشکیل می دهند.

اعضای مجلس خبرگان، پس از خاتمه اجلاس خود روز پنجشنبه ۱۱ تیر برای ملاقات با خمینی به چماران رفتند. مشکینی در چماران و در حضور خمینی با اشاره به "حساسیت موقعیت مجلس خبرگان در جمع نهادهای جمهوری اسلامی"، توضیح داد اعضای خبرگان هر چه می توانستند تلاش کردند "وظایف خود را بر اساس اسلام و بی سروصدا" انجام دهند ولی فقط توانستند تعدادی از وظایف اجلاس را پاسخ گویند. مشکینی همچنین اعلام کرد از ۸۲ عضو مجلس خبرگان، ۱۲ تن در فاصله دو اجلاس فوت کرده اند و "در انتخابات بعدی این نقش را باید جبران کرد".

خمینی در سخنرانی خود برای خبرگان، به وجود "اختلاف آرا" در میان "اثنه جمعه" و "دستجات مختلف" اشاره کرد و تاکید نمود این "اختلاف آرا قابل رفع نیست" ولی باید "طوری توجیه شوند که از نزاع بر سر نفسانیات پرهیز کنند".

خمینی: باید تحمل کرد

موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور، خویشی دادستان کل، برخی از اعضای شورایعالی قضایی، روسای سازمان بازرسی، سرپرست سازمان زندانها و... روز دوشنبه ۸ تیر در چماران با خمینی ملاقات کردند.

در این دیدار، رئیس دیوانعالی کشور طی سخنان مشروحی زبان به عجز در مقابل مشکلات دستگاه قضایی کشور و خواستار دخالت و کمک خمینی شد. وی در بخشی از سخنان خود گفت: "آقایان مشکلات متعدد دارند. قبلا خدمتتان عرض کرده ایم و بعد در فرصت مناسب عرض خواهیم کرد ولی به حکم شرع و امر حضرت عالی وظایف خود را انجام می دهند." موسوی اردبیلی در پی این سخنان تاکید کرد: "تنگناهای" موجود "مشکلات" شدت بیشتری می گیرند.

خمینی در پاسخ سخنان اردبیلی، از آنان خواست که سستی نکنند و گفت: "مشکلات شماسده نیست و می دانم که به آسانی حل نمی شود. می دانم ولدا باید تحمل کرد." خمینی در دنباله سخنان خود تذکر داد: "اگر نتوانستیم مشکلات را رفع کنیم

تروریست در سفارت خمینی



حدادی کاردار رژیم خمینی در فرانسه همراه با تروریست فراری در مصاحبه مطبوعاتی

باید از خداوند طلب قدرت کرد." هیات مزبور روز شنبه ۹ تیر در قم با منتظری دیدار کرد، اما موسوی اردبیلی در این دیدار شرکت نکرد.

جلسه هماهنگی

وزرای ساواک، کشور و دادستان کل

روز سه شنبه دوم تیرماه، نخستین جلسه هماهنگی مسئولین حفاظت اطلاعات جمهوری اسلامی با حضور ری شهری وزیر ساواک، محتشمی وزیر کشور، خویشی دادستان کل و جمعی دیگر از مسئولین "حفاظت و اطلاعات" ادارات و سازمانهای دولتی در تهران تشکیل شد.

محتشمی، اولین سخنران این جلسه در توصیف جایگاه و عملکرد ماموران اطلاعاتی و انتظامی گفت: "نیروهای انتظامی آئینه نظام جمهوری اسلامی هستند... برخوردشان "قوی و غضب آلود است و هیچگونه رحم و شفقتی در دل آنان نیست." وی در ادامه سخنان خود با اشاره به مسئولیت ماموران حفاظت و اطلاعات تاکید کرد: "این ماموران پشتوانه ای قوی برای رژیم و ضامن بقای جمهوری اسلامی هستند."

مقامات فرانسوی در جریان پی گرد عاملین انفجارهای تروریستی در پاریس، به ردیابی از عوامل جمهوری اسلامی رسیده اند. در همین رابطه بود که اخیراً ۸ نفر از عوامل رژیم خمینی، که در پیش دانشجو در فرانسه به سر می بردند، از این کشور اخراج شدند. یکی از کسانی که مشخصاً مظنون به شرکت در عملیات تروریستی است، وحیدگرچی، مترجم سفارت جمهوری اسلامی در پاریس است. بعد از این که پلیس فرانسه به پی گرد وحیدگرچی پرداخت، او به درون ساختمان سفارت خمینی در پاریس گریخت. پلیس فرانسه سفارت را تحت محاصره خود در آورد تا در صورت خروج، او را دستگیر سازد.

پس از این اقدام پلیس، سفارت فرانسه در تهران به محاصره پاسداران جمهوری اسلامی درآمد و خروج دیپلماتهای فرانسوی از آن ممنوع شد.

در روز جمعه هفته گذشته حدادی کاردار سفارت خمینی در پاریس در درون سفارتخانه یک مصاحبه مطبوعاتی به راه انداخت و گرچی را نیز در آن شرکت داد. حدادی در این مصاحبه مطبوعاتی

خواهان دخالت وزارت خارجه فرانسه به سودگرچی شد و گفت: "امید داریم این مساله هر چه زودتر حل شود و آقای گرچی بتواند به خانه بازگردد. حل این مساله، روند عادی سازی مناسبات ایران و فرانسه را تسریع خواهد کرد."

برخلاف وزیر کشور، که هر دستگیری گرچی تاکید دارد، وزیر خارجه فرانسه خواهان اتخاذ سیاست ملایمی در این ماجراست که به روابط دوستانه بین پاریس و تهران، لطمه نزنند.

جمهوری اسلامی در زمینه به محاصره درآمدن سفارتخانه اش در پاریس سروصدا و تبلیغاتی به راه نینداخت و نشان داد که مایل نیست در روند بهبود هر چه بیشتر روابطش با فرانسه اختلالی پدید آید. در هفته گذشته از میان مسئولین مملکتی تنها موسوی نخست وزیر به این موضوع اشاره کرد و در مصاحبه ای با رادیوی جمهوری اسلامی در روز چهارشنبه ۱۰ تیر به محاصره درآوردن سفارت فرانسه در تهران رانه تصمیم دولت، بلکه یک واکنش خودپسندی حزب-الله اعلام کرد.

اعتراض و تحصن کشاورزان منوچان

در اسفند ماه، فرمانداری شهرستان کهنوج در استان کرمان، طی بخشنامه‌ای به بخشدار منوچان اعلام کرد تمامی کشاورزانی که دارای موتور پمپ آب لیتر و پلاکتان ۱۶ تا ۲۶ اسب هستند، موظفند هر کدام ۵ الی ۱۰ هزار تومان به عنوان "مالیات" پرداخت نمایند. در این بخشنامه گفته شد که در صورت عدم پرداخت مالیات، کشاورزان از دریافت سوخت محروم خواهند بود. کشاورزان منطقه با آگاهی به اینکه هدف مسئولین، اخاذی برای تامین هزینه‌های چپه‌های جنگ می‌باشد، از پرداخت هرگونه کمک مالی به چپه‌های جنگ تحت عنوان مالیات سرپا زده‌اند.

بخشدار منوچان در پی عدم توفیق در سرکشی کردن کشاورزان توسط ابیادی مسلح خود اقدام به باز کردن تسمه موتور پمپ‌ها نمود. قطع آب مزارع موجب خشکیدن بسیاری از محصولات کشاورزی شد. این اقدام بخشدار، موج اعتراض و نفرت کشاورزان را از عمل رژیم پراگندخت و آنها در اعتراض به این اقدام به طور دسته جمعی به شهر رفته و در محل فرمانداری کهنوج اقدام به تحصن نمودند. فرماندار کهنوج در مقابل خشم و اعتراض کشاورزان مجبور شد که محل فرمانداری را ترک کند. کشاورزان بعد از این تحصن که به نتیجه‌ای نیاانجامید به طرف بخشدار منوچان و جهاد سازندگی این شهرستان حرکت کردند و خشم و نفرت خود را از این اقدام ابیادی رژیم ابراز کردند.

کمبود نان در شاهین شهر

نان تافتون داده نمی‌شود. خانواده‌های زحمتکش در شاهین شهر که نان بخش اصلی غذای آنها را تشکیل می‌دهد، در نتیجه کمبود و نایابی نان با مشکل بزرگی مواجه شده‌اند. این وضعیت تاکنون موجب درگیری‌های متعدد در برابر نانواهایی شده و صف‌های طولیل مقابل نانواهایی‌ها به یکی از مکانهای تجمع زحمتکش برای ابراز نفرت از رژیم خمینی تبدیل گردیده است.

در شاهین شهر اصفهان تنها دو نانوايي وجود دارد که اکنون مدتی است بخاطر کمبود آرد یکی از آنها تعطیل شده است. با چنین وضعیتی مردم این شهر مجبور شده‌اند برای خرید نان به اصفهان بروند. با تعطیل یکی از نانوايي‌های شاهین شهر اکنون زحمتکش شاهین شهر مجبورند هر روز از ساعت ۴ صبح در برابر نانوايي‌های اصفهان صف بکشند و این در حالی است که به هر فرد در اصفهان بیش از ۱۰ عدد



کتکاور-باختران

دیار به دیار برای گذران زندگی

دوره خدمت سرپازی، ۳ ماه شد.

سرهنگ رزمجو رئیس اداره وظیفه عمومی طی گفتگویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام کرد "آئین‌نامه مصوبه سال ۱۳۶۴ قوانین وظیفه عمومی با اصلاحات جدیدی آماده ابلاغ به کلیه حوزه‌های سرپازی کشور است."

وی گفت براساس آئین‌نامه جدید، خدمت برای افرادی که حداقل یکسال در مناطق عملیاتی هستند ۲ سال است، در صورتی که در قانون جدید دوران خدمت کسانی که به هرنحوی در پشت جبهه می‌باشند به ۳۰ ماه افزایش یافته است.

سرهنگ رزمجو در مورد مقررات پیش‌بینی شده در آئین‌نامه جدید برای مشمولین غایب گفت: "برای مشمولین غایب که خود را معرفی کنند سه ماه اضافه خدمت به عنوان جریمه پیش‌بینی شده و آن دسته از مشمولین غایبی که توسط مراکز انتظامی دستگیر می‌شوند ۶ ماه اضافه خدمت مقرر گردیده است."

رئیس اداره وظیفه عمومی در ادامه توضیحات خود پیرامون وضعیت مشمولین غایب افزود: "با اجرای مقررات جدید وظیفه عمومی خدمت مشمولین غایب با احتساب اضافه خدمت آنان از ۲۷ تا ۳۶ ماه تغییر یافته است."

با اجرای قانون جدید دهها هزار جوانی که دوران خدمت وظیفه را طی می‌کنند بر سردرواهی تحمل اضافه خدمت اجباری و یا "مرگ داوطلبانه" در جبهه‌های جنگ قرار خواهند گرفت.

منع حرکت اتوبوس‌های مسافربری به ترکیه

۱ - مسئولیت رعایت کلیه شئون اسلامی از مباداتا مقصد بر عهده شرکت مسافربری اعزام کننده مربوطه باشد.

۲ - این مسئولیت بر عهده اتحادیه تعاونی‌های مسافربری باشد.

۳ - بازرسی از طرف وزارت راه و ترابری در هر اتوبوس در نظر گرفته شود."

اتحادیه، متعاقب اطلاعیه وزارت راه به خاطر عدم تمایل به همکاری با رژیم در کنترل و بازرسی مسافرین، ضمن رد مسئولیت، پاسخ داد حاضر نیست هزینه بازرسی وزارت راه را تقبل کند. همین موضوع موجب شد وزارت راه اعلام نماید: "از تاریخ ۶۶/۲/۲۵ مجوز خروج از کشور برای اتوبوس‌ها صادر نخواهد شد." رژیم با این تصمیم قصد دارد مقاومت رانندگان را در هم شکسته و آنان را وادار کند که یا خود اقدام به کنترل مسافرین در بیرون از مرزها نمایند و یا هزینه بازرسی از ساواک و بیادایره مبارزه با منکرات را بر عهده بگیرند.

تصمیم رژیم مبنی بر نشان دادن یک مزدور در هر اتوبوس مسافری، اگرچه بر این زمینه گرفته شده است که مسافرین و نیز رانندگان بلافاصله پس از خروج از مرز، محدودیت‌های تحمیلی در زمینه حجاب، موسیقی و... را بهیچ وجه مراعات نمی‌کردند، اما در عین حال و بویژه معطوف به مراقبت امنیتی از کسانی است که عازم خارج کشورند.

بخاطر عدم رعایت "شئون اسلامی" از سوی مسافران، حرکت اتوبوس‌های مسافری ایران به ترکیه از هفته گذشته بنابه دستور وزارت راه و ترابری قطع شده است. نشریه کیهان هوایی (۱۰ تیر) ضمن اعلام خبر فوق، نوشت: "توقف حرکت این اتوبوس‌ها باعث سرگردانی تعداد زیادی از مسافرینی که قرار بود به ترکیه بروند، شد."

در گزارش این نشریه، علت ممنوعیت خروج اتوبوس‌های مسافربری به ترکیه، اختلاف نظر میان وزارت راه و ترابری با رانندگان و مسئولین تعاونی هفده گانه ترمینال مسافری تهران بر سر نحوه کنترل و بازرسی مسافرین عازم ترکیه ذکر شده است.

به نوشته "کیهان هوایی"، معاون وزارت راه چندی پیش در نشستی که با مسئولان اتحادیه مسافربری داشت به آنان اعلام کرد که اتوبوس‌های عازم ترکیه باید کنترل و بازرسی شوند و این امر را باید از طریق اتحادیه، یا شرکت مسافربری و یا بازرسی ویژه وزارت راه و ترابری اعمال شود.

در پی عدم موافقت مسئولان اتحادیه با خواست معاون وزیر راه، بخشنامه‌ای از طرف این وزارتخانه به شرکت‌های تعاونی هفده گانه ارسال شد و اعلام گردید: "به منظور حفظ شئون اسلامی و پرهیز از هرگونه انحراف توسط اتوبوس‌های ایرانی عازم کشور ترکیه یکی از روشهای زیر باید عمل شود:

سیستان و بلوچستان (۲)

زندگی در فراسوی فقر

بقیه از صفحه آخر

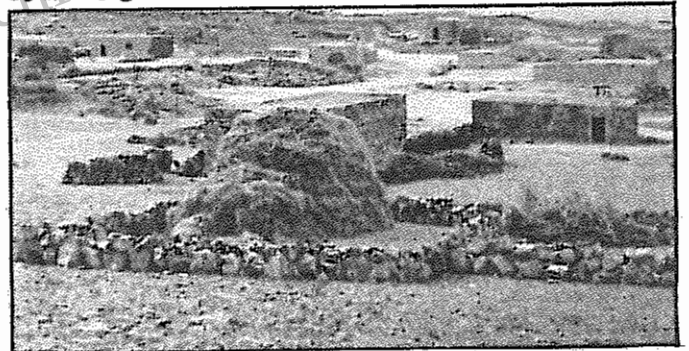
فقر و کرسنگی، بیماری و بیکاری و اعتیاد و آوارگی در سیستان و بلوچستان پدید می‌کند. زندگی زحمتکش این سرزمین تدار چنان توانفرساست که ارگانهای تبلیغی رژیم فقهانی قادر به انکار آن نیستند.

در روستاهای ویران

روستای "ریک چاری" که در شماره پیش نشریه از آن یاد کردیم، در بخش شمالی استان یعنی در سیستان قرار دارد. طبق گزارش روزنامه کیهان (۲۶ اردیبهشت ۶۶)، روستاهای سیستان در مقایسه با روستاهای بلوچستان "چه در زمینه کشاورزی و چه از لحاظ رفاهی وضعیت نسبتاً بهتری دارد." اگرچه در همین گزارش اعتراف می‌شود که هشتاد درصد روستاهای سیستان "بدون هیچگونه امکانات رفاهی و حتی ابتدایی‌ترین وسایل زندگی به‌شبهه قرون وسطایی زندگی می‌کنند."

نداریم. "چند تن از روستاییان می‌گفتند، "مدت ۲ ماه است به مانفت شده‌اند و ما مجبوریم مدام بیت نفت را با هزار مشقت بردوش بکشیم و در این راه طولانی رفت و آمد کنیم." روستایی دیگری اعتقاد داشت، "این بهیچوجه صحیح نیست که زن حامله‌ای از یک روستای دور دست بیت نفت را با هزار مشقت بردوش بکشد و هر طور شده خود را به "دوست محمد" (مرکز بخش میانکنکی) برساند و گاهی ناچار شود دو روز و دو شب هم در مرکز بخشداری بماند که آیا نفت بگیرش بیاید یا نیاید."

اغلب ساکنین روستاها به کشاورزی، دامپروری و ماهیگیری اشتغال دارند. کشاورزی هرازگاهی با سیل یا هر چند سال یکبار با خشکسالی مواجه می‌شود و اکنون تقریباً به ورطه ناپودی کامل کشانده شده است. در معدودی از روستاها هم که به علت وجود آب کشاورزی می‌شود آبیاری



مخروبه‌ای که آبادی نامیده می‌شود

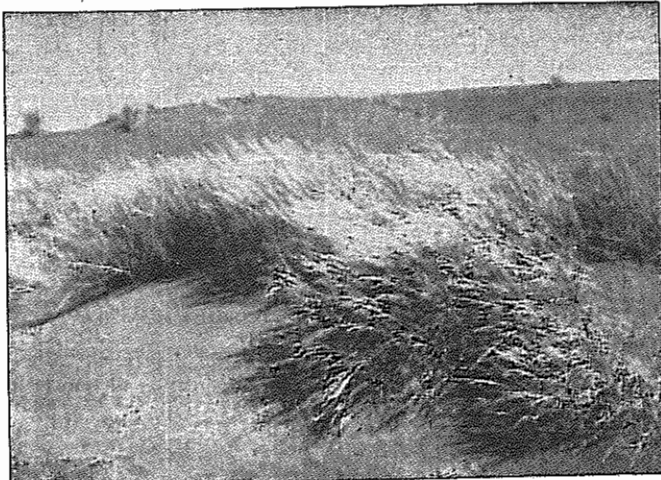
به شیوه سنتی و کاشت با روش‌های عقب مانده انجام می‌گیرد. از بذر مرغوب، کود شیمیایی و ماشین آلات کشاورزی هیچ خبری نیست. رژیم به خواستهای کشاورزان محروم منطقه مطلقاً بی‌اعتناست.

در تعدادی از روستاها دامداری وجود دارد. برپیشانی این عرصه از کار هم مهر فلاکت خورده است. بنابر اعتراف کیهان (۱۱ خرداد ۶۶) "بطور کلی با مقایسه تعداد گاوها و استان (با تخمین بالاتر از صد هزار) و ظرفیت مراتع که فقط و فقط ظرفیت تعلیف صدوزده دامهای استان را دارد، به فقر شدید غذایی منطقه پی می‌بریم..."

"اقتصاد کهن شاهی" پارتیزان خصوصیت دامداری سیستان و

وقتی روستاییان هشتاد درصد روستاهای سیستان به‌شبهه قرون وسطایی زندگی می‌کنند اما "وضعیت نسبتاً بهتری" در مقایسه با روستاهای بلوچستان دارند، خواننده می‌تواند دریابد در روستاهای بلوچستان چه می‌گذرد، رنجی مهیب‌تر از زندگی در فراسوی فقر.

بی‌آبی، بی‌برقی، عدم وجود امکانات بهداشتی، نبود بسیاری از مایحتاج زندگی روزمره در همه جا به چشم می‌خورد. به گزارش همان شماره کیهان یکی از اهالی روستای ساسولی از بخش میانکنکی می‌گفت، "در روستای ما از آب آشامیدنی سالم برق و بهداشت خبری نیست و با اینکه جمعیت این روستا زیاد است یک درمانگاه برای مداوای سرپایی



صابون سازی با ۱۰۰ کارگر وجود دارد. سیمای شهر بیمار و غم‌زده است. در میان مردمی که هر روزه خیابانهای شهر را در می‌نوردند، پیش از همه چهره سوخته دهقانان بلوچ که در جستجوی نان به هر دری می‌زنند به چشم می‌خورد.

کارخانه پوشاک زاهدان، کارخانه بافت بلوچ در ایرانشهر، کارخانه صابون سازی در زاهدان، چند کارخانه نان ماشینی و کوره آجرپزی و کارهای ساختمانی مجموعه امکانات صنعتی بلوچستان است که جستجوگران کار به آن نظر دوخته‌اند.

بخش اصلی کارگران زاهدان را کارگران ساختمانی تشکیل می‌دهند. این کارگران که همواره در معرض خطر بیکاری قرار دارند و می‌کوشند با فراهم کردن اندوخته‌ای به دستفروشی بمشابه یک منبع درآمد روآورند. اما بساط محقر دستفروشان هم هرازگاهی با تهاجم غارتگران مامورین رفع سد معبر و بربومی‌شود.

در زاهدان بخش کوچکی از مردم، کارمندان ارگانها و نهادهای دولتی و غیردولتی‌اند. برخی نیز به تجارت مشغولند و عده‌ای هم قاچاق کالا و یا فروش مواد مخدر را پیشه کرده‌اند. کار قاچاقچیان عمده در بندوبست با خانها و مسئولین دولتی منطقه از رونق برخوردار است. در بسیاری از زمینه‌ها کار تجارت و قاچاق درهم آمیخته شده‌اند. (ادامه دارد)



بلوچستان است. ماهیگیران نیز همچون کشاورزان زندگی توانفرسایی دارند.

فلاکت و بدبختی برای روستاییان راهی جز مهاجرت از روستا و آواره شدن در شهرها باقی نگذاشته است. بعنوان نمونه در سال ۱۳۶۲ فقط طی سه ماه اهالی بیست روستا به شهر مهاجرت کردند (روزنامه چ ۲۰ مهر ۶۴). اما در شهر نیز برای روستایی زحمتکشی که به دور از روستای ویرانش به شهر پناه می‌آورد، هیچ چشم‌انداز روشنی جهت رهایی از چنگ تنگدستی و کرسنگی وجود ندارد.

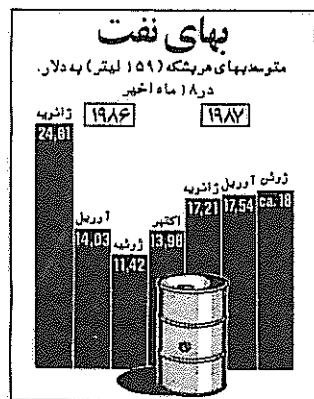
شهرهای فدا فلاکت

شهرهای سیستان و بلوچستان نماد فلاکت و بدبختی‌اند. زاهدان مرکز استان پارتیزان جلوه این نماد است.

در خیابان امام، حدفاصل طالقانی و دانشگاه زاهدان بلوچ‌ها، کردها، ترک‌ها، عرب‌ها، افغان‌ها، پاکستانی‌ها و هندی‌هایی را می‌بینی که در گرمای ۴۰ درجه چون خیل سرگشته‌گان در هم می‌لولند. برای تازه‌واردها شاید این تصویری آید که در شهر امکانات شغلی فراوانی وجود دارد که موجب تمرکز این چنین جمعیتی شده است. حال آنکه در زاهدان تنها یک کارخانه پوشاک با حدود ۱۵۰ کارگر زن و یک کارخانه

دیگر تصمیمات

وزرای نفت کشورهای عضو در اجلاس اخیر تصمیم گرفتند تا با ایجاد یک "کمیته قیمت‌ها" پائوسانات بازار نفت مقابله کنند. این کمیته موظف است تا به محض بروز نوسانات جدی در بازارهای جهانی این کالا، کنفرانس فوق‌العاده وزرای نفت کشورهای عضو را تشکیل داده تا تصمیمات جدیدی اتخاذ گردد.



اعضای این کمیته عبارتند از وزرای نفت نیجریه، ونزوئلا، عربستان سعودی، الجزایر و اندونزی. از سوی دیگر اجلاس اخیر بمنظور تحکیم انضباط و رعایت مصوبات، یک کمیته کنترل تشکیل داد که ضمن نظارت بر اجرای مصوبات اجلاس، کشورهای متخلف را بازخواست نماید. در ششماه گذشته کشورهای کویت، امارات متحده عربی و عراق مصوبات اجلاس دسامبر ۸۶ را نقض کرده بودند. پناه گزارش کارشناسان امور دادوستد نفتی، عراق در ششماه گذشته ۵۰ درصد بیشتر از سهمیه ۱/۴۷ میلیون بشکه ای خود در روز نفت تولید کرده است. باید خاطر نشان ساخت که عراق در اجلاس دسامبر ۸۶، با مصوبه این اجلاس ابراز مخالفت نمود و خواهان افزایش سهمیه تولید نفت خود تا حد ۲/۲۵ میلیون بشکه در روز - سهمیه ایران - گردید. این در حالی است که جمهوری اسلامی در ششماه گذشته قادر نشده است از سهمیه تعیین شده خود استفاده نماید و میزان نفت تولید شده جمهوری اسلامی در مدت زمان یاد شده از سهمیه تعیین شده، کمتر بوده است.

در اجلاس وین، "لقمان" وزیر نفت نیجریه در سمت خود به عنوان دبیرکل موقت اوپک ابقا شد و موضوع تعیین دبیرکل اوپک و تعیین دقیق سهمیه اعضا به اجلاس بعدی اوپک که در تاریخ ۹ دسامبر در وین برگزار خواهد شد، موکول گردید.

یافت. در این اجلاس، کشورهای عضو - منهای عراق - به این توافق نائل آمدند که از طریق کاهش میزان نفت تولیدی تا حد ۱۵/۸ میلیون بشکه در روز، موجبات افزایش بهای نفت را فراهم آورند. توافق حاصله در اجلاس دسامبر ۸۶ اوپک، بحران حاکم بر این سازمان را بطور جدی تخفیف داد و شمره و دستاورد نخست آن، افزایش بهای نفت تا حد ۱۸ دلار برای هر بشکه بود.

در اجلاس دسامبر ۸۶، وزرای نفت کشورهای عضو تصمیم گرفته بودند که سقف تولید نفت کشورهای عضو از ۱۵/۸ میلیون بشکه در روز در ششماه نخست سال میلادی، به ۱۸/۲ میلیون بشکه در روز در ششماه دوم سال میلادی افزایش یابد. امیر اساس نظر کمیته بازار اوپک، افزایش سقف تولید نفت این سازمان در سه ماهه چهارم سال میلادی تا حد ۱۸/۲ میلیون بشکه در روز مورد موافقت قرار نگرفت. با آنکه عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج پیشنهاد افزایش سقف تولید نفت اوپک را داشتند، اما کمیته بازار بر آن بود که افزایش سقف تولیدی نفت اوپک در شرایط حاضر منجر به کاهش بهای این عاده سوختی در بازارهای جهانی خواهد گردید. از اینرو اجلاس اخیر اوپک تصمیم گرفت تا سقف تولیدی نفت این سازمان را از ۱۵/۸ (میلیون بشکه در روز در ششماه نخست سال میلادی به ۱۶/۶ میلیون بشکه در روز برای ششماه دوم افزایش دهد و از ازیاد میزان تولیدی نفت تا حد ۱۸/۲ میلیون بشکه در روز - مصوب نیست دسامبر ۸۶ - خودداری ورزد.

بهای ثابت و بهای آزاد

یکی از دستاوردهای اجلاس دسامبر ۸۶ اوپک که در اجلاس اخیر نیز مورد تاکید قرار گرفت، تثبیت بهای نفت بود. سیستم بهای ثابت نفت که از جمله در اثر اعمال سیاست زکی یمنی وزیر نفت سابق عربستان سعودی جای خود را به سیستم بهای آزاد نفت داده بود، آن شیوه ای است که فروشندگان نفت در ازای کیفیتهای مشابه نفت، بهای واحد و یکسانی را دریافت می کنند. کشورهای عضو اوپک در دو اجلاس اخیر خود، تصمیم گرفتند تا با تعیین یک "سبد" از هفت نوع نفت مختلف، بمنایه انواع شاخص، بهای هر یک را جداگانه تثبیت کنند. براین اساس بهای ثابت انواع نفت صادراتی اوپک بین ۱۶/۲۷ تا ۱۸/۸۷ دلار برای هر بشکه تعیین شده است.



تثبیت بها و مقابله با نوسانات بازار نفت

فاصله زمانی پس از ازیاد بهای نفت تا به امروز از عقد قراردادهای دراز مدت با اوپک خودداری نموده و تنها در فاصله زمانی ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۴، بین ۲۰ تا ۴۰ درصد از واردات نفتی خود از اوپک کاستند. بدین ترتیب در نتیجه سلسله اقدامات برنامه ریزی شده انحصارات نفتی امپریالیستی، نقش و سهم اوپک در کل بازار جهانی این کالا از میزان ۶۸ درصد در سال ۱۹۷۷ به ۲۴ درصد در سال ۱۹۸۱ تنزل یافت. با کاهش نقش اوپک در تامین کل مصرف جهانی این ماده سوختی، انحصارات امپریالیستی بگونه ای فزاینده توفیق آنرا یافتند تا شرایط جدید و بهای دلخواه خود را به اوپک تحمیل نمایند.

وابستگی سیاسی برخی از کشورهای عضو به امپریالیسم جهانی، اتخاذ روش سیاستهای اوپک شکنانه از سوی برخی از اعضا، تشتت و چندگانگی در اوپک، جنگ خلیج و پی آمدهای آن و همچنین اتخاذ و بکارگیری هر چه بیشتر روش ذخیره سازی و تزریق نفت از سوی انحصارات جهانی این کالا، از دیگر عوامل موثر در تشدید بحران سال ۸۶ اوپک به شمار می روند.

روند نزولی بهای نفت که از اجلاس مارس ۱۹۸۲ اوپک آغاز شده بود و خود متاثر از کاهش نقش اوپک در تامین کل مصرف جهانی این ماده سوختی بود، در اواسط سال ۱۹۸۶ به اوج خود رسید. عکس العمل کشورهای صادرکننده نفت اوپک در مقابل کاهش بهای نفت - که منجر به کاهش فاحش درآمد ارزی آنها شده بود - ازیاد عرضه نفت با بهای کمتر بود که این نیز به خودی خود در کاهش هر چه بیشتر بهای نفت موثر افتاد. شرکت های نفتی انگلیس و فرانسوی - و از جمله شرکت استات اویل - نیز با کاهش بهای نفت خود در سال ۱۹۸۲ در کاهش بعدی بهای این محصول تاثیرات مهمی بر جای نهادند. در این فاصله زمانی، انحصارات نفتی امپریالیستی نیز باتزریق نفت از محل ذخایر استراتژیک خود بر کاهش بیشتر بهای نفت دامن زدند. در چنین فضایی بود که اجلاس دسامبر ۸۶ اوپک به منظور پایان دادن به تشتت و چندگانگی برخورد کشورهای عضو و باهدف افزایش و تثبیت بهای نفت تشکیل

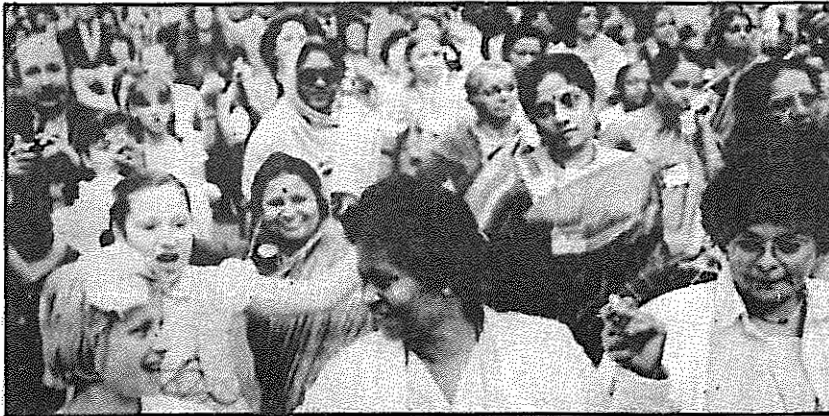
نظری بر تصمیمات آخرین اجلاس اوپک

بقیه از صفحه آخر

نهی. وزیر نفت الجزایر در پایان اجلاس اخیر اوپک اعلام کرد که واقع بینانی پیرامون رابطه تقاضا و بهای نفت یگانه علت اصلی بود که منجر به تصمیم گیری سریع اجلاس و حصول به یک توافق مشترک گردید. ضرورت دارد که در این رابطه - رابطه تقاضای جهانی برای نفت اوپک با بهای این کالا - شامل شود. اوپک اعلام کرد که واقع بینانی پیرامون رابطه تقاضا و بهای نفت یگانه علت اصلی بود که منجر به تصمیم گیری سریع اجلاس و حصول به یک توافق مشترک گردید. ضرورت دارد که در این رابطه - رابطه تقاضای جهانی برای نفت اوپک با بهای این کالا - شامل شود.

مطبوعات غرب با به فراموشی سپردن علل اقتصادی و سیاسی موثر، چمکنی بر آنند تا علت کاهش بهای نفت در سال ۸۶ را، ازیاد عرضه، آن معرفی نمایند. ولی عرضه مازاد نفت از سوی اوپک به خودی خود نمی تواند توضیح دهنده نوسانات بهای این فرآورده در بازارهای جهانی بوده باشد و در تحلیل نهائی خود معلول یک سلسله علل اقتصادی و سیاسی است. ما در نشریه "اکثریت" شماره ۱۰۸ به برخی از علل موثر در بحران سال ۸۶ اوپک اشاره کرده بودیم.

اگر خواسته باشیم اهمیت اجلاس اخیر اوپک و بویژه اجلاس دسامبر ۸۶ این سازمان را دریابیم، پیش از آن ضرورت دارد نگاهی بر روند تحولات در بازارهای جهانی این کالا بیافکنیم. در دهه هفتاد، در پی افزایش یکباره بهای نفت دو پدیده مهم در بازارهای جهانی این محصول حادث شد: از یکسو استفاده هر چه بیشتر از دیگر منابع انرژی، و بدان گونه که در دهه هشتاد سهم نفت در کل حجم انرژی مورد تقاضا و مصرف جهانی روبه کاهش نهاد، و از سوی دیگر، فروم آمدن شرایط برای استخراج نفت در مناطقی - و از جمله دریای شمال - که نصب تاسیسات حفاری و انتقال، سرمایه هنگفتی می طلبد و پیش از آن مقرون به صرفه نبود. انحصارات نفتی نیز به منظور ایجاد شکاف در اوپک و کسب سودهای هنگفت، به رقابت فی مابین کشورهای عضو دامن زدند. انحصارات نفتی در



کنگره جهانی زنان

در مسکو



بقیه از صفحه اول

زنان جهان از ملیت‌های مختلف، در گردهمایی مسکو شایسته داشتند.

کنفرانس زنان مسیحی و بسیاری از سازمانهای دیگر به تهاطل نظر پرداخت. در مرکز زنان کنگره جهانی در سال بین‌المللی صلح در کینهاگ نیز مشورتی صورت گرفت. در کینهاگ پیشنهاد شد کمیته‌ای بین‌المللی برای کنترل تحقق "منشور محو همه اشکال تبعیض علیه زنان"، مصوب مجمع عمومی ملل متحد در ۱۹ دسامبر ۱۹۷۹، تشکیل شود تا زنان، سازمانهای آنها و نیز اتحادیه‌های کارگری را درباره چگونگی رعایت یا عدم رعایت این منشور در کشورهای مختلف مطلع سازد و دولت‌ها را برای رعایت آن تحت فشار قرار دهد.

همبستگی با زنان آمریکای مرکزی، خاورمیانه و جنوب آفریقا

کنگره جهانی زنان، بخش قابل توجهی از کار خود را به جستجوی راههای تقویت همبستگی با مبارزه زنان در راه استقلال و رهایی ملی و علیه جنگ و تبعیض نژادی در آمریکای مرکزی، خاورمیانه و جنوب آفریقا اختصاص داد. در کنگره، به مصائبی که زنان از ناحیه جنگ‌های منطقه‌ای جهان کنونی، از جمله جنگ ایران و عراق، متحمل می‌شوند، اشاره شد و بر همبستگی زنان سراسر جهان با آنها تاکید گردید. در جنب کنگره، گردهمایی‌های همبستگی با زنان کشورهای و مناطق مختلف که درگیر مبارزه‌ای حاد برای محو ستم، آپارتاید و جنگند، برگزار شد. از جمله این میتینگ‌ها، میتینگ همبستگی با زنان آفریقای جنوبی بود. قرار بود در این گردهمایی وینی‌ماندلا، هسرنلسون ماندلا رهبر زندانی خلق آفریقای جنوبی نیز شرکت جوید که به علت کارشکنی رژیم آپارتاید، این امر امکان‌پذیر نگردید.

کنگره جهانی زنان در روز شنبه ۲۷ ژوئن به کار خود پایان داد.

دمکراتیک آلمان است)، پس از اتخاذ تصمیم از سوی شورای فدراسیون دایر بر فرا خواندن کنگره جهانی زنان، برای حل مهم‌ترین مسائل جهان، از همه زنان و همه مردم نیکخواه، از همه نیروهای صلح و ترقی دعوت کرد دست به تشریک مساعی زنند. این مسائل عبارتند از: دفع خطر سلاحهای هسته‌ای، حفظ زندگی و آینده بشریت، تضمین حق خلقها در برخورداری از استقلال، حاکمیت بر سرنوشته خود، پیشرفت، عدالت و ترقی اجتماعی و تامین حقوق برابر برای زنان. کنگره مسکو سهم مهمی در تهاطل نظر پیرامون راههای گسترش مبارزه در راه این اهداف ایفا کرد.

در تدارک کنگره مسکو، بسیاری از سازمانهای ملی زنان کمیته‌های تدارک تشکیل داده و از سایر سازمانها دعوت به همکاری در این کمیته‌ها کردند. ف. ب. ز. د. ا. و همان آغاز کوشید در عرصه بین‌المللی با سایر سازمانها نیز مشورت به عمل آورد تا کنگره مسکو، واقعا کنگره جهانی زنان باشد.

بدین ترتیب، گردهمایی مسکو تا حد معینی ادامه دهنده مجمع جهانی زنان در شاپروبی، منعقد در سال ۱۹۸۵ بود. در شاپروبی بیش از ۱۲ هزار زن به دعوت سازمان ملل متحد در یک مجمع جهانی شرکت جستند. ف. ب. ز. د. برای هر چه فراگیر کردن کنگره مسکو، با پرنفوذترین سازمانهای بین‌المللی زنان مانند شورای بین‌المللی زنان، اتحاد بین‌المللی زنان و اتحادیه بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی تماس گرفت. همچنین کنگره‌ها و سیفانهای منطقه‌ای در اروپا، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین برای تدارک کنگره جهانی برگزار شد. رهبری ف. ب. ز. د. با شخصیت‌های برجسته بین‌المللی، رهبری فدراسیون جهانی سندیکایی، بخش زنان بین‌الملل سوسیالیستی،

دردهای میلیونها انسان در جهان؛ بویژه زنان و کودکان هستند. در کنگره مسکو، علاوه بر سازمانهای ملی زنان، نمایندگان ۷۰ سازمان بین‌المللی و ۱۵ ارگان سازمان ملل متحد نیز شرکت جستند.

از سوی زنان فدایی، یک هیئت نمایندگی به سرپرستی رفیق رقیه دانشگری، عضو کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، در کنگره جهانی زنان در مسکو شرکت کرد.

برای فراهم ساختن امکان اظهار نظر همه زنان، صرفنظر از مواضع آنها، کار کنگره در کمیسیونها و مراکز سازمان یافت. هشت کمیسیون کنگره، درباره این موضوعات به بحث نشستند: صلح و خلع سلاح، وضع زنان و زحمتکش در شهر، زنان در روستا، زن و خانواده، رشد و امنیت اقتصادی، استقلال ملی و دمکراسی، آموزش صلح، نقش رسانه‌های گروهی، همکاری و تحقق استراتژی دراز مدت نایروبی (اشاره به کنفرانس جهانی سازمان ملل به مناسبت پایان دهه جهانی زن در نایروبی).

علاوه بر کمیسیونها، سه مرکز بحث موضوعی نیز بخشهایی دیگر از کار کنگره را انجام دادند. در این مراکز، سخنرانیهایی درباره نفوذ بزرگ ابعاد و فراگیر حقوق زنان، مسائل زنانی که تحت شرایط اشغال خارجی، لشکرکی نظامی، رژیم‌های دیکتاتوری و آپارتاید زندگی می‌کنند و تبعیض علیه زنان در کشورهای پیشرفته صنعتی، ایراد شد. برای نخستین بار در کنگره مسکو، یک مرکز موضوعی نیز با عنوان "زن و سوسیالیسم" تشکیل گردید.

مهمترین مسئله، جلوگیری از فاجعه

هسته‌ای
دکتر دانی ف. ب. ز. د (که مقر آن در برلین، پایتخت جمهوری

تبعیض‌های حقوقی به سود مرد وجود ندارد، آزادی واقعی نمی‌تواند وجود داشته باشد، وجود ندارد و وجود نخواهد داشت."

میخائیل گارباچف گفت زن در اتحاد شوروی حقوق برابر با مرد، و به عبارتی حتی حقوقی بیش از مرد دارد. وی به عنوان نمونه، از عدم وجود تبعیض در پرداخت دستمزد کار، شرایط برابر برای تحصیل، ارتقای شغلی و شرکت در فعالیت حزب و ارگانهای دولتی و محلی نام برد. رهبر شوروی در عین حال افزود: "اما در این عرصه هنوز همه چیز رو به راه نیست." گارباچف خاطرنشان کرد در جریان نوسازی جامعه شوروی، باید قوه ابتکار زنان شوروی به حداکثر میزان ممکن آزاد و فعال شود.

کار در هشت کمیسیون سه مرکز بحث

اجلاس شورای فدراسیون بین‌المللی زنان دمکرات در اواخر سال ۱۹۸۵ تصمیم گرفت نهمین کنگره این فدراسیون با عنوان کنگره جهانی زنان، و به صورت "کنگره‌ای باز" برگزار شود. به گفته فردا هارون، رئیس فدراسیون بین‌المللی زنان دمکرات (ف. ب. ز. د)، شرکت در کنگره مسکو برای همه زنانی که با اصول نامبرده در شعار کنگره موافقت، آزاد اعلام گردید. همه سازمانهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی غیردولتی، سازمان ملل متحد و سازمانهای ویژه آن، شخصیت‌های دارای عقاید گوناگون سیاسی، ایدئولوژیک و نیز مذهبی و بطور خلاصه همه کسانی از حق شرکت در کنگره جهانی زنان برخوردار گردیدند که خواهان پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی بر روی زمین و ممانعت از آن در فضا و استفاده از منابع عظیمی که از طریق قطع مسابقه تسلیحاتی بدست می‌آید، در مبارزه علیه فقر، گرسنگی و بیماری، یعنی

زنان فدایی در نهمین کنگره جهانی زنان در مسکو

در نهمین کنگره جهانی زنان که از روز ۲۲ ژوئن در مسکو برگزار شد زنان فدایی حضور فعالی داشتند. هیات نمایندگی سازمان ما که به ریاست رفیق رقیه دانشگری در این کنگره شرکت کرده بود کوش نمود کوشه‌هایی از رنج و محرومیت عظیم زن ایرانی تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی را به آگاهی دیگر نمایندگان شرکت‌کننده در کنگره برساند.

هیات نمایندگی زنان فدایی در کمیسیون‌های "زنان برای صلح و خلع سلاح"، "زنان و مبارزات رهایی بخش ملی"، "زن و کار" و "زن، کودک و خانواده" شرکت کرد. اعضای هیات در جلسات این کمیسیون‌ها به سخنرانی پرداختند، در این سخنرانی‌ها هیات نمایندگی سازمان تلاش نمود تا با ارائه آمار و ارقام و انتقال تصاویری مشخص از وضعیت زنان ایران، ابعاد جنایات رژیم جمهوری اسلامی در قبال زنان را بازتاب دهد. به همین دلیل مطالب ایراد شده برای شرکت‌کنندگان در کنگره بسیار جالب توجه و تاثیر بخش بود.

هیات نمایندگی زنان فدایی در طول کنگره ملاقات‌های متعددی را با دیگر هیات‌های شرکت‌کننده به انجام رساند که از جمله می‌توان ملاقات با کمیته زنان شوروی و همچنین نمایندگان سازمان‌های زنان کشورهای افغانستان، عراق، ترکیه، پاکستان، نیکاراگوئه، فلسطین،

عربستان سعودی، فیلیپین و سودان را نام برد.

در خلال کنگره مراسمی به نام "شب قطع جنگ ایران و عراق" برگزار شد. در این برنامه از سوی نمایندگان ایرانی، عراقی و ترک سخنانی در مورد اثرات جنگ بر جامعه و خانواده در ایران و عراق و نقش دولت ترکیه در بمباران مردم مناطق مرزی عراق بیان شد.

از سوی هیات نمایندگی زنان فدایی، هزاران بروشور تبلیغی به زبانهای انگلیسی، آلمانی و فرانسوی میان شرکت‌کنندگان در کنگره توزیع گردید. متن محکومیت جنگ ایران و عراق و خواست پایان فوری آن که توسط زنان فدایی تهیه شده بود را شخصیت‌های متعددی که در کنگره شرکت داشتند امضا کردند.

هر یک از اعضای هیات نمایندگی زنان فدایی، از طریق سخنرانی در جلسات موضوعی کنگره جهانی زنان و نیز در دیدار با نمایندگان زنان دیگر کشورها کوشیدند بخشهایی از وضعیت زنان ایرانی و جنایات فقه‌ارادین زمینه پارتاب دهند. در زیر قسمت‌هایی از سخنان یکی از اعضای هیات در کمیسیون "زن، کودک و خانواده" را می‌خوانید:

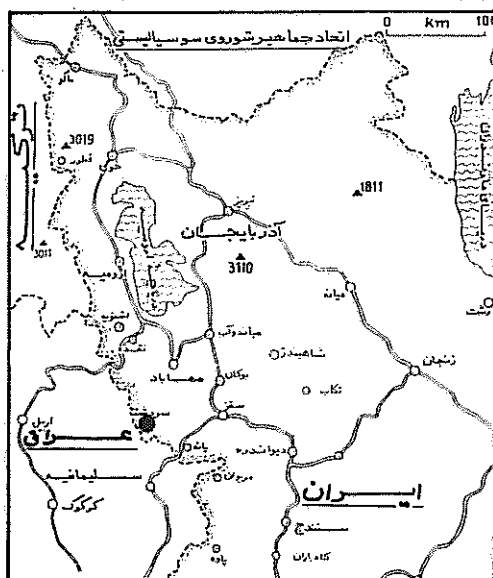
امروزه در ایران بدون توضیح اثرات جنگ از هیچ مسئله‌ای نمی‌توان سخن گفت... از ۱۶ زن

ایرانی یک نفر عزیزی را در این جنگ از دست داده است. از هر ۵ زن ایرانی یک نفر مجروح یا معلول جنگی در خانه دارد. از هر ۴ زن ایرانی یک نفر آواره جنگی است و از هر ۵ زن ایرانی یک نفر به نوعی باخسارات ناشی از جنگ روبرو بوده است. غیر از خسارات روحی و اقتصادی ناشی از صدمات جنگ، زندگی زنان ایرانی در سایه حکومت رژیم خمینی به یک جهنم تبدیل شده است. تبعیض جنسی با شدت بی‌سابقه‌ای در ایران عمل می‌کند. ابتدا ایی‌ترین حقوق زن ایرانی پایمال شده است. حتی حق انتخاب نوع لباس و رنگ آن از آنان سلب شده است، حق انتخاب رشته تحصیلی دلخواه، حق سفر، حق انتخاب همسر... زنان به ازدواج‌های زودرس مجبور می‌شوند. سن ازدواج به ۹ سال تنزل کرده است، چند همسری امری قانونی است، ازدواج موقت امری قانونی است، زنان جوانی که همسران خود را در جنگ از دست داده‌اند مجبور به ازدواج با معلولین جنگی می‌شوند...

از زندگی کودکان ایران نمی‌توان عین فاجعه را با کلام تصویر کرد. آلام روحی و روانی بیشماری بر روح و جان کودکان بی‌گناه ما سنگینی می‌کند. از یکطرف اعزام پدران به جبهه‌های جنگ و کشته شدن آنها، از سوی دیگر فقر شدید در شرایط جنگی زندگی کودکان ما را کاملاً غیر انسانی کرده است. بودجه شیر خشک کودکان ما صرف خرید سلاح می‌شود. یک سوم مرگ و میر کودکان در اثر سوء تغذیه

است. گرانی سرسام‌آور مایحتاج زندگی از جمله وسایل مدرسه امکان تحصیل را از بسیاری از کودکان گرفته است. هم اکنون ۵ میلیون کودک واجب‌التعلیم به همین دلایل به مدرسه راه نمی‌یابند. وضعیت کودکان اقلیت‌های ملی و مذهبی در ایران بسیار وخیم‌تر از اینهاست. برای مثال ۲۰ مدرسه ارامنه کاملاً تعطیل شده‌اند. در کردستان ایران اداره آموزش و پرورش بطور کلی تعطیل اعلام شده است، فقر شدید خانواده کودکان را وادار به کار در بدترین شرایط می‌کند. هم اکنون بیش از دو میلیون کودک بین ۱۴-۶ سال در کارگاه‌های قالی‌بافی و کوره‌های آجرپزی استثمار می‌شوند. و باز هم فقر شدید موجب فروش کودکان خانواده‌های فقیر به شر و تملدن می‌شود، رژیم جمهوری اسلامی ایران برای ادامه جنگ ایران و عراق دیوانه‌وار کودکان را راهی جبهه‌های جنگ می‌کند. تنها در سال ۸۴ طبق آمار رسمی ۱۲۰۰۰ کودک به جبهه‌ها اعزام شده‌اند که ۹۰ درصد آنها کشته شده‌اند. هم اکنون ۶۰ درصد بخشی از نیروی نظامی رژیم که پیچ نامیده می‌شود را دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند.

زندگی در سایه سیاه جنگ هیچ چشم‌انداز و امیدی برای خانواده‌ها باقی نگذاشته است. ما زنان فدایی که به اتفاق دیگر هم‌زمان آزاده و پیشرو خود در بدترین شرایط اختناق رژیم برای توقف جنگ، برای تغییر بنیادی نظامی که همه گونه آزادی و برابری را نابود کرده است مبارزه می‌کنیم، حمایت هر چه گسترده‌تر شما را می‌طلبیم.



بمباران شیمیایی سردشت

بقیه از صفحه اول

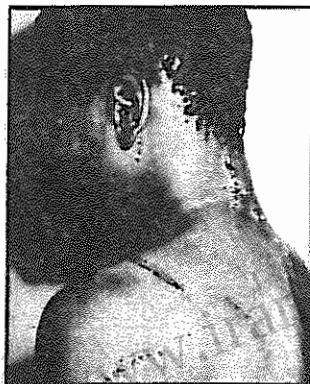
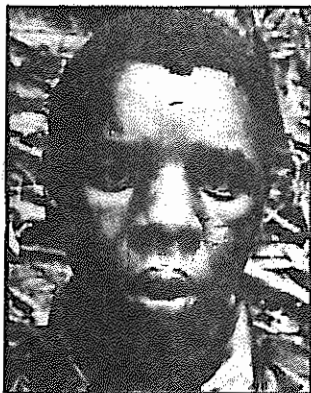
می‌کند، تمام تقاضاهای سازمانهای بین‌المللی را در جهت توقف این جنگ کثیف بی‌پایخ گذاشته است. در این باره انستیتو مطالعات بین‌المللی لندن هفته آخر خردادماه سال جاری ضمن انتشار گزارشی در مورد صنایع اسلحه‌سازی جمهوری اسلامی، به نقل از کمال خرازی سرپرست ستاد تبلیغات جنگ نوشت، "ایران تکنولوژی ایجاد تولید سلاحهای شیمیایی از جمله گاز سی را تهیه دیده است. همین‌خبر در نشریه کیپان هوایی سوم تیرماه نیز بازتاب یافته است. رژیمهای جنایتکار ایران و

عراق برای بیرون آمدن از بن‌بست این جنگ وحشیانه، از هیچ تلاش و اقدام جنایتکارانه‌ای، از جمله از بکارگیری گسترده سلاحهای شیمیایی که کاربردش به خاطر پیامدهای خوفناک آن، دهها سال است از سوی محافل بین‌المللی و دولتها منع شده است، واهمه ندارند. با آغاز دور جدید جنگ شیمیایی و بمباران شیمیایی مناطق غیرنظامی از سوی رژیم تبهکار عراق و با توجه به سیاستهای جنون‌آمیز رژیم جمهوری اسلامی، باید به خطر گسترش جنگ شیمیایی با همه ابعاد هولناک آن، حمایتی در خور توجه نشان داد و در جهت جلب توجه افکار عمومی جهانی به عواقب لجام‌گسیختگی رژیمهای صدام حسین و خمینی در این زمینه، کوشید.



اسناد جنایات نژادپرستان

این عکسهای تکان دهنده از نوجوانانی گرفته شده است که در جریان بازداشت توسط پلیس رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، مورد شکنجه و ضرب و شتم قرار گرفته اند. جانی ماشیانه ۱۵ ساله، ب. ام. ۱۲ ساله و یک جوان ۱۸ ساله که هویتش را فاش نمی‌سازد، سه تن از ۱۰ هزار کودک و نوجوانی بوده اند که از هنگام اعلام حکومت نظامی در ۱۲ ژوئن ۱۹۸۶ بدست پلیس بازداشت شدند. پلیس، بازداشت‌شدگان را با شوک الکتریکی، ضرب و شتم، حبس انفرادی، کرسکی دادن و بی‌خواهی مورد شکنجه قرار می‌دهد.



نمایش موش و گریه و ستاد اتلاف موش

باعث هراس بازیگران و خروج آنها از حالت نمایش و صد البته خنده و قیل و قال تفریحانه تماشاگران شد. پس از لحظاتی نسبتاً طولانی، با تذکر مسئول سالن تماشاچیان ساکت شده و به ادامه نمایش متوجه شدند. باز چندی قبل در سالی دیگر و هنگام تماشای نمایشی دیگر، موش قوی چشای همین ماجرا را آفرید. و بالطبع باز عکس العمل تماشاچیان همان بوده است و می‌توان حدس زد که چه متلکهایی پراکنده اند.

البته جمهوری اسلامی در قبال ازدیاد موشا بی تفاوت نمانده و در کنار ستادهای مختلف جنگی، ستاد برگزاری نماز جمعه و ستادهای تبلیغاتی و امنیتی رنکارتک، یک "ستاد اتلاف موش" نیز تشکیل داده است. روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۱۱ اسفند ۶۵ با خوشحالی و مسرت فراوان تشکیل این ستاد را به اطلاع امت شهیدپرور، رسانده است.

تهران، علاوه بر این که در تصرف آخوندها و پاسدارهاست به تصرف موشها نیز در آمده است. "موش" اکنون در کنار آخوند و پاسدار به یک ساله جدی مردم تبدیل شده است. موش اکنون به محلات قدیمی اختصاص ندارد. همانگونه که آخوند و پاسدار در همه جا ولو است، موشها نیز در همه جا جولان می‌دهند، از جمله در ساختمان‌های مدرن. خواننده‌ای در روزنامه رسالت ۲۱ خرداد نوشته است، "چندی پیش برای دیدن نمایشی به تئاتر شهر رفته بودم. من هم مثل سایرین در کمال سکوت مشغول تماشای هنرنمایی بازیگران صحنه بودم، که ناگهان در یکی از ردیف‌های صندلی همه موشاچیان به هوا برخاست و نظرمه راه خود جلب کرد. بله، گرهبای از درب ورودی سالن وارد شده و به سوی یکی از ردیفهای صندلی هجوم برده بود. سرو صدای تماشاچیان باعث وحشت گرهبه شد و گرهبه با سرعت به طرف سن دوید و

بازگشت به عصر درشکه

کرات در این مورد بحث کرده اند که آیا قوانین راهنمایی و رانندگی را می‌توان از کتب فقهی استنتاج نمود و آنها را شرعی کرد؟ عده‌ای می‌گویند هرچا در اخبار و احادیث صحبت از چارپایان شده است، امروزه می‌تواند در مورد بنز و پیکان نیز مصداق بیاید. این عده خود را طرفدار فقه پویا می‌نامند. عده‌ای دیگر می‌گویند، تخیر شتر شتر است و الاغ الاغ است و شرع انور در مورد بنز و پیکان سخنی نگفته است. اینها را می‌گویند طرفدار فقه سنتی. از قرار معلوم بابا زکشت به عصر درشکه اوضاع دارد به نفع فقه سنتی متحول می‌شود.

در خوزستان به تدریج دارد هر تعداد درشکه‌ها افزوده می‌شود. وسایل نقلیه کم است، بنزین کوبنی است و وسیله یدکی نایاب است و از همینروست که روستائیان برای رفت و آمد به شهر مجدداً به درشکه رو آورده اند. در شهر اهواز نیز تعداد کاریها و درشکه‌ها رو به ازدیاد گذاشته است. اکنون احیای درشکه و درشکه سواری با مشکل گرانی کاه و علوفه مواجه شده و از همین رو درشکه‌دارها نیز مدام نرخ استفاده از این وسیله را بالا می‌برند.

با احیای درشکه سواری شاید یکی از مشکلات فقها حل شود. فقها به

"بانوی اول"، هزار جفت کفش داشت!

بهرد. ۱۰۰ جعبه اکنون در موزه مالاکانیان در معرض بازدید عمومی است. مارکوس فراموش کرده است عکسهایی را که از مراسم اهدای مدال از سوی روسای جمهور مختلف آمریکا برداشته شده است، با خود ببرد. ۲۰۰۰ جفت کفش خانم ایملدا مارکوس هم باقی مانده اند. "بانوی اول" سابق فیلیپین، اغلب آنها را یا هرگز نبوشیده و یا تنها یک بار پوشیده است. ناظران، ثروت خانواده مارکوس را که تنها بخشی از آن در فیلیپین مانده است، ۲۰ میلیارد دلار تخمین زده اند.

کاخ "مالاکانیان" که اواخر قرن نوزدهم توسط استعمارگران اسپانیایی در مانیل ساخته شد، از ۱۹۳۵ توسط روسای جمهور فیلیپین به عنوان مقر مورد استفاده قرار گرفت. اکنون این کاخ که مارکوس، دیکتاتور سرنگون شده فیلیپین آن را با صرف میلیونها دلار به صورت یکی از پر زرق و برق ترین کاخهای جهان در آورده بود، به صورت موزه در آمده است. مارکوس از مدتها پیش از برکناری خود ۲۰۰ جعبه پیراز اشیای قیمتی و جواهر برای روز مبادا آماده کرده بود، اما هنگام فرار تنها توانست ۲۰۰ جعبه را همراه خود

شعر معاصر جهان هوگ - مک دایر مد (شاعر معاصر اسکاتلندی)

در بیمارستان اطفال

اکنون از پسر بچه بدون پا باید خواست تا به مقام بازدیدکننده نشان دهد که چگونه در استفاده از چوب زیر بغل تسلط دارد. پرستار با این نمایش مخالفت دارد: هنوز این پسر بچه به استفاده از چوب عادت نکرده. اما مهم نیست، هنگامی که اراده غالب جناب چنین باشد. «تومی»، بیا، چند قدم مایوسانه در محوطه بردار. آنوقت دست عطفوت پدرا نه بر سرت کشیده خواهد شد و زندگی ناگهان به روی تو لبخند خواهد زد و از سختی خواهی رست. زیرا که از دست دادن جفت پا! در برابر این فیض عظمی در حقیقت، فقدان نیست! انسان وقتی می‌بیند که چگونه بقیه اطفال بدین صحنه با رشک و حسد نگاه می‌کنند و بدان موقعیت غبطه می‌خورند، با خود فکر می‌کند که لابد در این کار حکمتی بوده است! اما، باشد که ضربات چوبدستی پسرک بر سنگه‌فرش‌ها، تا ابد آباد در سر ایشان چون تندر بخروشد!

بر گرفته از مجموعه "شعر اجتماعی" - مترجم هوشنگ باختری
انتشارات جاویدان، تهران ۱۳۵۶

شکاف در بنای پوسیده آپارتاید

نوشته چرسلو، دبیر کل حزب کمونیست آفریقای جنوبی

بقیه از صفحه آخر

نیروهای که در برابر چپه مبارزان آزادی آفریقای جنوبی قرار گرفته اند، هنوز نیرومندند. آنها منابع قابل توجهی در اختیار دارند و از سوی متحدان امپریالیست قدرتمند خود، پشتیبانی می شوند. از این رو ما باید همچنان خود را آماده نبردی طولانی سازیم. در عین حال، آشکارا دیده می شود که در موقعیت کنونی، چرخشی کاملاً غیر منتظره، امکان پذیر است. چرا؟

در دو سال و نیم اخیر، نشانه هایی واضح برای امر وجود داشته است که در کشور ما، بحرانی سراسری شکل می گیرد که علیرغم آنکه روند شکل گیری آن هنوز به پایان نرسیده، اما بطور یکسان، دامن استثمار کنندگان و استثمار شوندگان را گرفته است. بنابر فرمول کلاسیک لنین، بدین ترتیب، شرایط تغییرات عمیق اجتماعی فراهم می آیند.

پیش از هر چیز، دو مانع روانی بسیار مهم، یک بار برای همیشه درهم شکسته است. این امر، برخورد مبارزه تاثیر زیادی گذاشت. خلق، متحد زیادی خود را از احساس ناتوانی، که در طول سده قرن و نیم سلطه استعماری بدو القا شده، آزاد کرده است. امروز، مردم معتقدند که حکومت نژادپرستان را می توان دیر یا زود سرنگون کرد، و آماده اند در این راه از جان خود مایه بگذارند. روحیه جدید توده ها، متحد زیادی از تاثیر الهام بخش اقدامات شاخه مسلح جنبش رهایی بخش، از یک سو، و اطمینان ناشی از پیروزی هایی روند رهایی در جنوب آفریقا، در همسایگی بلا فصل مرزهای ما، از سوی دیگر، سرچشمه می گیرد.

عملی دیگر نیز در میان طبقه حاکم، و مهاجران سفیدپوست به مثابه پایگاه آن تغییر یافته است. در پی تقویت مداوم مقاومت علیه سلطه نژادپرستان، اعتقاد به خدشه ناپذیری این سلطه، به کلی متزلزل شده است. تجزیه هایی روی داده است، برخی به صف رقبا پیوسته اند، اختلافات درونی سر باز کرده اند، و نشانه هایی دیگر نیز بروز کرده اند حاکی از آنکه بلوک نژادپرستان حاکم، که تا پیش از این، یکپارچه بود، آغاز به تلاشی کرده است.

بحران اقتصادی و سیاسی در آفریقای جنوبی، در مجموع به ابعاد بیسابقه ای رسیده است. پس از قیام ۱۹۷۶ سوتو، در همه شاخه های اقتصاد، عقب گردی دائمی مشاهده می شود. در فاصله ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۵، نرخ رشد اقتصادی سالانه هنوز به ۵ درصد بالغ می شد. این رقم برای دوره زمانی از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶، به یک درصد کاهش یافت. شمار بیکاران به بیش از ۴ میلیون نفر افزایش یافته است. جریان سرمایه خارجی به داخل کشور، عملاً متوقف شده است. این امر، به رکود اقتصادی دامن می زند. انحصارات عظیم فرامیلتی نظیر جنرال موتورز، آی بی ام، کوکاکولا و بارکلیز بانک، بر اثر فشار سیاسی و ملاحظات اقتصادی، ناچار گشتند "خروج" خود را از آفریقای جنوبی اعلام کنند. البته برخی از آنها، مخفیانه کوشیده اند مواضع خود را در اقتصاد رژیم آپارتاید حفظ کنند. اما حتی اگر اقدامات اعلام شده، محدود هم باشند، نباید به تاثیر آنها بر

سرمایه گذاران احتمالی غربی، کم بهاداد. صنایع آفریقای جنوبی، به اندازه کافی نیرومند هستند که به انزوای تجاری، با کاهش واردات پاسخ دهند. استثنای این میان، تولید وسایل تولید است که ۹۵ درصد آن وارد می شود. از آنجا که سرمایه گذاریهای خارجی، عملاً متوقف شده اند و به آفریقای جنوبی اعتبار عمده جدیدی نیز داده نمی شود، احتمالاً مناصبی که برای حفظ و رشد این بخش اقتصاد، ضروری است، به تدریج هرچه کمتر خواهد شد.

همان، حتی کارشناسان اقتصادی دولت، متفق القولند که اکثر این مسائل با مبارزه سیاسی فرایند، در پیوند تنگاتنگ قرار دارد. اما یک عامل دراز مدت دیگر نیز وجود دارد، و آن عبارت است از تغییر رابطه میان نژادپرستی و کسب سود. این تغییر، متوجه منافع اجزای اصلی بلوک حاکم است. در برخی عرصه های تعیین کننده، آپارتاید و ساختارهای اجتماعی نهادی شده آن، بگونه ای فرایند، مانع رشد نیروهای مولده هستند. آفریقای جنوبی، در آستانه گذار به سطحی بالاتر در تکنولوژی تولید، قرار گرفته است. اما کمبود نیروی کار متخصص که از موانع نژادی سرچشمه می گیرد، مانع آن است که این گام برداشته شود. افزون بر این شرکت های آفریقای جنوبی که در صادرات فعالند به علل سیاسی، دسترسی محدودی به بازارهای قاره ما، که برای آنها بازارهای طبیعی است، دارند. و بالاخره، مخارج نجومی تسلیحات و نیز هزینه حفظ و دفاع از رژیم های دست نشانده در به اصطلاح بانتوستان ها، نقش معینی ایفا می کند. (بانتوستان ها، مناطق محصور شده ای در داخل خاک آفریقای جنوبی هستند که رژیم آپارتاید تحت اداره محلی عوامل سیاهپوست خود قرار داده است - "اکثریت").

مانند همیشه، بار اصلی بحران پرورش اکثریت سیاهپوست قرار گرفته است. اما رکود اقتصادی کنونی، که طولانی ترین و سنگین ترین رکود در تاریخ کشور است، رفته رفته بر سطح زندگی مردم سفیدپوست، به ویژه طبقه کارگر نیز تاثیر می گذارد. بیکاری در میان کارگران سفیدپوست، که طی پنجاه سال گذشته بسیار ناچیز بود، پنحو محسوس افزایش یافته است. در افشار پایینی مردم سفیدپوست، نخستین نشانه های فقر، دیده می شود. طبقه حاکم روزهای سختی را می گذراند. در میان آن گروه قومی که مهمترین پایگاه حمایت سیاسی از طبقه حاکم را تشکیل می دهد نارضایتی دامن افزایش می یابد. این موقعیت منشا تاثیراتی جدی است.

سازمانهای آشکار فاشیستی مانند "جنبش مقاومت آفریقایی ها" که در حال شکل گیریدن، زمینه مناسبی برای جلب هوادار در میان کارگران سفیدپوست می یابند. این سفیدپوستان، از این هراس دارند که حتی اصلاحات بسیار محدودی نیز که رژیم نژادپرست به ناگزیر به آنها تن می دهد، همراه با وخامت اوضاع اقتصادی، موقعیت ممتاز آنها را خدشه دار سازد. در عین حال، نشانه هایی - هرچند هنوز مبهم - وجود دارد حاکی از آنکه در آینده، حمایت سنتی آنها از طبقه حاکم به ازای امتیازاتی که آنان

را از همقطاران سیاهپوست خود جدا ساخته است، اندکی کاهش خواهد یافت. در دسامبر ۱۹۸۶، شورای سندیکاهای آفریقای جنوبی ("توکسا")، که زمانی بزرگترین و پر نفوذترین اتحادیه کارگری بود، بدنحال جدایی اعضای آن، از جمله وابستگان به جناح چپ، منحل شد. این امر، حاکی از شکل گیری نارضایتی در میان کارگران سفیدپوست، و نیز حاکی از این امر است که آنها می کوشند سمت گیری جدیدی بیابند. آنان در این امر، نیاز به کمک دارند، به ویژه از سوی حزب ما.

شمار هر چه بیشتری از میان افشار میانی سفید پوست، پی می برند که دفاع از موقعیت کنونی، در تحلیل نهایی کوششی بی سرانجام است، و از این طریق تضادهای تنها تشدید می شود. بسیاری، اردوی افراطیون نژادپرست را ترک می کنند، و حتی در برخی موارد علیه قوانین حاکم عمل می نمایند. جوانان سفیدپوست، کارزاری علیه خدمت اجباری سربازی آغاز کرده اند. بسیاری از مبتکران این کار، پس از اعلام وضعیت فوق العاده، بازداشت شدند. در دانشگاههای سفیدپوستان، بسیاری از مواد مهم برنامه جنبش رهایی بخش در بین شمار هرچه بیشتری از دانشجویان، مورد حمایت علنی قرار می گیرد. در دانشگاه استلن بوش، یکی از مراکز ایدئولوژی آپارتاید، اقداماتی صورت گرفت که تا چند سال پیش، غیرقابل تصور بود. دانشجویان، دوامان آزادی نلسون ماندلا شدند، و یک هیات دانشجویی به لوزاکا رفت تا علیرغم اراده حکومت، پاکتگره ملی آفریقا مذاکره کند. آنچه مهمتر از همه است، این است که شاری بسیار بیشتر از گذشته، از میان سفیدپوستان، به جنبش رهایی بخش ما، و شاخه مسلح آن می پیوندند.

در محافل حاکم نیز، دیوار همبستگی سفیدپوستان که زمانی خراشین بود، شکاف برداشته است. همانگونه که ذکر شد، آپارتاید در رابطه معینی، مانعی جدی در برابر رشد اقتصادی است. بر اثر آپارتاید، گروه های تعیین کننده در اقتصاد آفریقای جنوبی از منابع کمک بین المللی که برای آنها، حیاتی است، محروم می شوند. اما بورژوازی، در جستجوی راه حلی برای مسائل ایجاد شده، با یک تنگنای تاریخی که خود باعث آن شده، روبرو است. سودهای هنگفت، همواره از استثمار بزرگ ابعاد نیروی کار ارزان سیاهپوستان در شاخه های کاربر اقتصاد به دست آمده است. تثبیت این استثمار در عرصه روپنا، وارد عملکرد و ایدئولوژی ستم نژادی و ملی شده است، ستمی که خود قرنهای پیش از پیدایش شکل "علمی" آن به صورت آپارتاید امروزی، وجود داشته است. دستگاه دولتی، که منافع سرمایه حاکم را نمایندگی می کند، هرآنچه در توان داشته، انجام داده است تا عقاید نژادپرستانه را به اشکال گوناگون آن به سفیدپوستان القا کند. اما ایدئولوژی، حتی مدتها پس از آنکه بنیانهای اقتصادی آن ست شوند، دینامیسم خود را حفظ می کند. تعجب آور نیست که انسانهایی که بورژوازی، به منظور حفظ قدرت خود، مغز آنان را آنچنان با اندیشه های نژادپرستانه آکنده است، اکنون در برابر تلاشهای همان بورژوازی برای دست کشیدن از برخی جوانب معین ستم نژادی که دیگر با منافع آن مطابقت ندارد، مقاومت نشان می دهد. از این رو، محافل بورژوا - فرمیست، پایگاه توده ای سیاسی ندارند و چون "واعظی در صحرا" عمل می کنند.

مناسبات طبقه حاکم با امپریالیسم نیز روشن بقیه در صفحه بعد

پتیه از صفحه قبل

نیست. در کشورهای غربی، این باور که پوتاسر کرده نژادپرستان، بتواند آفریقای جنوبی را به مثابه دژ استراتژیک مهم سرمایه‌داری و پیمانهای نظامی امپریالیستی، نجات دهد، رنگ می‌بازد. از سوی دیگر، این کشورها از نیرومندترین آلترناتیو این رژیم، یعنی جبهه‌های پخش به رهبری کنگره ملی آفریقا، بسیار هراسانند. تلاشها برای تحقق یک راه حل میانی از نوع موزوروا (اشاره به اسقف موزوروا که در سال ۸۰-۱۹۷۹ در زیمبابوه در راس حکومت سازشکاری قرار گرفت که وظیفه داشت علیرغم برکناری پان اسمیت نژادپرست، مواضع امپریالیسم را حفظ کند - "اکثریت")، تاکنون ناموفق بوده است. نامزد احتمالی برای چنین نقشی، یعنی پوتلزی، رئیس قبیله کوازولو، هرگونه اعتباری را از دست داده است زیرا وی از حکومت در بسیاری از مسائل مهم پشتیبانی می‌کند و به عنوان رهبر نیرومند ملی مطرح نیست.

سیاست تقویت افشار میانی سیاهیوست که از لحاظ اقتصادی در حفظ موقعیت کنونی ذینفع هستند، تاکنون نتوانسته است به پیدایش "نیروی میانی" قابل توجهی بینجامد که مورد حمایت توده‌ها باشد. اگر تاکنون رژیم نتوانسته است به همکاری همه جانبه‌ای با افشار میانی سیاهیوست تحقق بخشد، تا میزان زیادی به خاطر وضعیت آن‌هاست. اگرچه اخیراً سرمایه‌داران سیاهیوست امکان یافته‌اند در عرصه‌های معینی از زندگی اقتصادی، که پیش از این به روی آن‌ها بسته بود، فعالیت کنند، اما آن‌ها هنوز دچار همه محرومیت‌های حقوقی‌ای هستند که اکثریت تحت ستم، از آن رنج می‌برد. یک میلیون سیاهیوست - چنین چیزی هم وجود دارد - دارای حقوق سیاسی و اجتماعی - اقتصادی‌ای کمتر از یک بیکار سفیدپوست است. با در نظر گرفتن این امر می‌توان بهتر موضع مهمترین ارکان سرمایه‌داران سیاهیوست، یعنی اتاق بازرگانی متحد و ملی آفریقایی را که دارای مناسبات دوستانه با رهبری کنگره ملی آفریقا، درک کرد. اندکی پیش، مطبوعات بین‌المللی، این گفته متوسون یانه، رئیس سازمان مرزور را نقل کردند، "ما به هیچ وجه از دولتی که کنگره ملی آفریقا تشکیل دهد، هراسی نداریم."

یک وجه مهم دیگر در بحران رژیم، ناکامی تقریباً کامل اصلاحات اعلام شده از سوی او است. جز افزایش بی‌رحمانه قهر علیه خلق، در برابر حکومت چه استراتژی دیگری باقی مانده است؟ حکومت دیگر مدتهاست این اعتقاد خود را که مسائل از طریق ایجاد پان‌توسانها، یعنی تقسیم کشور به "مناطق زادوبومی" به اصطلاح مستقل، قابل حل است، از دست داده است.

حتی در دوره اخیر برخی رهبران پان‌توسانها در جستجوی تماس با کنگره ملی آفریقا هستند. پارلمان تشکیل شده از سه مجلس، که در سال ۱۹۸۴ با هدف ادغام هندی‌ها و دورگه‌ها در نظام پارلمانی تحت سلطه سفیدپوستان، ایجاد گردید، مورد تحریم عمومی قرار گرفت و عملاً از صحنه کنار رفته است. همه کوششها برای تحمیل اشکال گوناگون نمایندگی درجه سوم در ارگانهای اداری شهری به سیاهیوست، شکست خورده‌اند. این اصلاحات و نظایر آن، در حقیقت شور مردم را کاهش نداده‌اند، بلکه به مبارزه توده‌ای دامن هم زده‌اند.

در عرصه سیاست خارجی، بی‌ورش دیپلماتیک رژیم در شه قاره ما متوقف شده است. کشورهای منطقه، فریب وسوسه پروژه‌هایی نظیر ایجاد "اتحاد

کشورهای جنوب آفریقا" یا بانکهای توسعه با مقری در پرتوریا را نخوردند. تلاش برای کشاندن این کشورها به قراردادهایی نظیر معاهده نیکومانی نیز در مورد اکثر آن‌ها ناموفق ماند. (در سال ۱۹۸۴، موزامبیک و آفریقای جنوبی در نیکومانی قراردادی امضا کردند که به موجب آن اصل عدم مداخله طرفین در امور داخلی یکدیگر به رسمیت شناخته شد. اما آفریقای جنوبی با حمایت از دارودسته ضد انقلابی "رنامو" این قرارداد را نقض کرده است - "اکثریت")، تجارب نشان می‌دهد که این قراردادها از سوی نژادپرستان مورد استفاده قرار می‌گیرد تا مبارزه‌های پخش ما را از حمایت همسایگان محروم سازد، در حالیکه خود رژیم آپارتاید به بی‌ثبات کردن کشورهای همسایه ادامه می‌دهد. البته پرتوریا به تدریج بی‌موردی‌های سیاسی که صرفاً بر ارباب و تجاوز آشکار استوار باشد، دارای امکانات نامحدود نیست. کشورهای نواستقلال در جنوب آفریقا، علیرغم دشواریهای جدی که بدان دچار هستند، پیوسته بیشتر در می‌یابند که حاکمیت آن‌ها تنها با پیروزی خلق آفریقای جنوبی تضمین خواهد شد.

شکست اصلاحات داخلی و تهاجم دیپلماتیک، و به کارگیری قهر عریان به عنوان ابزار اصلی سیاست داخلی و خارجی حاکی از آن است که بحران شدت می‌گیرد. در دوره اخیر، آشکار شده است که رژیم نژادپرست و همه حامیان آن، مطلقاً اعتقاد یافته‌اند که نمی‌توان به شیوه سابق حکومت کرد. اما آن‌ها فاقد استراتژی منسجم سیاسی برای برون رفت از بحران هستند. این امر، به تشدید پدیده‌های جدایی و انشعاب در محافل حاکم می‌انجامد و برای ناکتیک ما حائز اهمیت بسیار است.

در اردوی اکثریت تحت ستم، بگونه‌ای آشکار این اعتقاد نیرو می‌گیرد که نمی‌توان مانند گذشته زیست. از اواسط ۱۹۸۴، کشور ما تقریباً بلاوقفه ناآرام بوده است. این امر، به رشد پیوسته اقدامات متشکل توده‌ای انجامیده و بازتاب خود را در بروز خودبخودی و نیمه خودبخودی ناراضیاتی یافته است.

در این میان، مهمترین نکته، ایفای نقش محوری از سوی انواع و اقسام سازمانهای خلقی در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی است. بیش از ۷۰٪ سازمان اجتماعی، سندیکایی و غیره با پیش از دو میلیون عضو، در جبهه متحد دمکراتیک عضویت دارند. با بنیانگذاری و رشد کنگره سندیکاهای آفریقای جنوبی ("کساتو")، قدرت متشکل زحمتکشان ایجاد جدیدی یافته است.

این ارقام، شاهی بر رشد برق‌آسای جنبش سندیکایی در میان کارگران سیاهیوست است، در حالیکه کارگران سیاهیوست ۱۵ سال پیش حتی به ۱ درصد همه زحمتکشان متشکل هم نمی‌رسیدند، امروز آن‌ها ۶۵/۷ درصد کارگران سازمان یافته را تشکیل می‌دهند، و این روند هنوز ادامه دارد. حکومت با قانونی‌شدن سندیکاهای سیاهیوست، به هدف خود یعنی جدا کردن آن‌ها از روند راهی، دست نیافته است. در سال ۱۹۸۶، میلیونها تن از کارگران، به دعوت کساتو، که از سوی جبهه متحد دمکراتیک و سازمانهای توده‌ای مورد پشتیبانی قرار گرفت، دست به اعتصاب عمومی سیاسی در روزهای اول ماه مه ۱۶ ژوئن زدند تا حمایت خود را از شعارهای اصلی جنبش راهی‌پخش مورد تأکید قرار دهند.

همچنین شکل‌گیری نطفه‌های قدرت خلق در پایین به صورت کمیته‌های خیابان، "کمیته‌های رفقا"، دادگاههای خلق و غیره، حائز اهمیت

فوق‌العاده است. این امر، یادآور خلایق توده‌ها است که در آغاز قرن ما در مبارزه علیه نژادپرست روسیه به پیدایش شوراهای انجامید، جوانان و کارگران، ایجاد دسته‌های مسلح و کمیته‌های دفاع مردمی را که سازمان یافته علیه نیروهای اشغالگر دشمن می‌جنگند، آغاز کرده‌اند. این دسته‌ها را می‌توان ذخیره‌های ارتش خلق قلمداد کرد.

فراخوان به غیرقابل حکومت کردن کشور، در محلات سیاهیوست نشین شهرها پاشخ پرشوری یافت. رژیم هنوز به آن اندازه نیرومند هست که تجمع‌های خیابانی را محاصره و متفرق بکند، اما در اکثر شهرک‌های سیاهیوست، دستگاه اداری غیرنظامی فلج شده است. مقامات دیگر قادر نیستند آچاره‌خانه‌ها را دریافت کنند. مردم، خائنان و افراد پلیس را آرام نمی‌گذارند. از هنگام اعلام وضعیت فوق‌العاده در ژوئن ۱۹۸۶، بیش از ۲۰ هزار تن از مسئولان سازمانهای مردمی در سطوح بالا و متوسط، دستگیر شده‌اند، اما روحیه مبارزاتی مردم شکسته است. مردم نمی‌خواهند سرفروند آورند و آماده‌اند به تهاجم خود ادامه دهند. تاکتیک مبارزه، با شرایط انطباق داده می‌شود. آن اشکالی از سازماندهی ایجاد می‌شوند که برای مقابله با تشقیقات فزاینده مناسب ترند. نیروهای هرچه تازه‌تری، رهبری پنهانی مردم را به عهده می‌گیرند و موانع ایجاد شده از سوی دشمن را دور می‌شکنند.

رشد برق‌آسای سازمانهای پایه در ناآرامیهای کنونی، مایه خوش بینی است. اما یک عامل ذهنی دارای اهمیت بنیادین و وجود یک جنبش انقلابی و در راس آن یک رهبری است که توده‌ها آن را به رسمیت می‌شناسند و دارای نیرو و توان بسیج توده‌ها برای پیروزی است. اتحاد انقلابی ما تا چه حد از عهده وظایف خود برمی‌آید؟

تردیدی نیست که کنگره ملی آفریقا، (ای. ان. سی.) در راس اتحاد راهی‌پخش قرار دارد، از اعتماد اکثریت عظیم مردم تحت ستم برخوردار است. ای. ان. سی. در داخل و خارج از کشور، بگونه‌ای فزاینده، نه تنها به عنوان نیروی اپوزیسیون فعال در تبلیغ، بلکه به عنوان آلترناتیو در برابر حکومت نژادپرستان مورد شناسایی قرار می‌گیرد. خود رژیم حاکم و اغلب متحدان غربی آن، رفته رفته در می‌یابند که بدون مشارکت جبهه راهی‌پخش به رهبری ای. ان. سی. راه برون رفتی از بحران کنونی وجود ندارد. از این رو، لوزاکا که مقر ای. ان. سی. است، زیارتگاه زائران بسیاری از افشار کوناگون جامعه آفریقای جنوبی شده است. آن‌ها به لوزاکا می‌روند تا در باره آینده گفتگو کنند. برخی از مهمترین صاحبان سرمایه صنعتی و مالی، نمایندگان افشار میانی و عملاً همه کلیساهای آفریقای جنوبی، دانشجویان، مسئولان سندیکاهای و سایر علاقه‌مندان، چنین مذاکراتی انجام داده‌اند. حتی دولت آمریکا که با سیاست "همکاری سازنده" خود پان‌توسانها، مدتهای طولانی پشتیبان اصلی آپارتاید بوده است، امروز نیروی جنبش انقلابی ما را به حساب می‌آورد. نشانه‌ای از این امر، ملاقات اخیر جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا با الیور تامبورثین کنگره ملی آفریقا است. وزارت خارجه آمریکا، که کماکان ای. ان. سی. را یک سازمان تروریستی "تحت کنترل" حزب کمونیست آفریقای جنوبی و "متحد" اتحاد شوروی می‌نامد، اعلام کرد این ملاقات از آن رو انجام گرفت که حل بحران آفریقای جنوبی از راه مذاکره، بدون شرکت ای. ان. سی. امکان پذیر نیست.

پتیه در صفحه روبرو

بقیه از صفحه روبرو

بگذار دشمن و دوستان غربی اش به خشم آیند، حزب ما همچنان بر نیرو و محبوبیت خود می افزاید. چه به مثابه پیشاهنگ مستقل زحمتکشان و چه به گفته البورتامبو بعنوان "یکی از دو رکن اصلی اتحاد رهایی بخش". امروز بر ارتجاع روشن است که نمی تواند ای. ان. سی را نهد کند، و از این رو بدین امید بسته است که میان طرفداران کنگره ملی آفریقا تحت عنوان "کمونیستها" و "ناسیونالیستها" تفرقه بیافکند.

این نظر عمومی بر بحران طبقه حاکم و بر روحیه مردم تحت ستم و سطح شکل ارودی انقلابی، نشان می دهد که تحولاتی در پیش است. اما این ادعا که رژیم نژادپرست هم اکنون تا آن حد تضعیف و نیروهای رهایی بخش تا درجه ای پیچ شده اند که تسخیر قوری تمام قدرت در دستور قرار دارد، غیر واقعی خواهد بود. در جامعه "مواد خام" این کار فراهم است، اما باید هنوز بسیاری از آن کار کرد. دوره مهم آتی، مستلزم توانایی تاکتیکی زیادی است. مسائل مختلف تئوریک و پراتیک باید عملی تو از گذشته طرح و حل کردند. می خواهیم به برخی از آنها بیشتر بپردازیم.

اتحاد رهایی بخش تحت رهبری ای. ان. سی، به لحاظ سازمانی، مهمترین بخشهای نیروهای اصلی انقلاب را دربر می گیرد. به لحاظ طبقاتی، زحمتکشان شهر و روستا، که همراه با سایر طبقات و اقشار اکثریت تحت ستم مردم، مثلاً با خرده بورژوازی سیاه و حتی با طبقه نسبتاً کوچک سرمایه داران سیاه، در یک پولک عمل می کنند، هسته این بخش را تشکیل می دهند. آنها همه، بطور عینی در تحولات انقلابی، که اتحاد رهایی بخش در راه آن مبارزه می کند، ذینفعند. اما بحران و ناآرامی هادر کشور، گروه بندی های نوینی پدید آورده است که نباید آنها را به مثابه بخشی از نیروهای خواهان تحول، نادیده گرفت، اما الزاماً نمی توان آنها را انقلابی قلمداد کرد.

از آن جمله است بخشی از بورژوازی که منافع طبقاتی آن دیگر با آپارتاید به صورت کهنه خود خوانایی ندارد. این بخش، جز' مهمی از نیروهای خواهان تحول است. او تحولی می خواهد که از چارچوب اصلاح رژیم فعلی فراتر می رود، اما در عین حال باید مانع دستیابی نیروهای انقلابی به اهداف دراز مدت خود گردد. این گروه، احساس می کند تحولات اجتناب ناپذیرند، و آغاز به فعالیت برای آن کرده است. هدف او در این میان، گسترش اشکال گوناگون دموکراسی بورژوازی در چارچوب سرمایه داری است بگونه ای که مالکیتش بر همه یا اغلب ابزارهای تولید دست نخورده بماند. علیرغم این محدودیت، نباید بورژوازی آماده اصلاحات را در اردوی اصلی دشمن قرار داد. یک جنبش انقلابی جدی باید بکوشد پایگاه اپوزیسیون را علیه دشمن اصلی گسترش دهد، بکوشد نیروهای اپوزیسیون هرچه متنوع تر گردند، حتی اگر بخشی از آنها هم مقاصد انقلابی را دنبال نکنند. این امر همچنین شامل کلیساها، گروه های ناراضی اقشار میانی سفید پوست، جناح رو به تقویت لیبرال در محافل علمی، دانشجویان و غیره نیز می شود. همه می دانند جنبش رهایی بخش ما گفتگو با همه این نیروها را تشویق می کند، اما پیوسته این سؤال مطرح می گردد که آیا می توان بحران را از طریق مذاکره حل کرد؟

به لحاظ اصولی، هیچ جنبش انقلابی مذاکره با دشمن را رد نمی کند. در دوره پس از جنگ، مبارزه انقلابی عملاً در همه موارد دقیقاً در پشت میز مذاکره به اوج خود رسیده است. ما در این مورد، موضع روشنی داریم. شرط پلات تغییر مذاکره جدی، باید به رسمیت شناختن اصل قدرت اکثریت (یک فرد - یک رای) در یک آفریقای جنوبی واحد دموکراتیک باشد.

هرگاه این امر بعنوان مبادا حرکت پذیرفته شود، امکانات برای حل بسیاری از مسائل دیگر نیز فراهم می آید، از جمله این مسئله که چگونه می توان به حقوق فردی تضمین قانونی بخشید، چگونه می توان میراث متنوع فرهنگی و زبانی گروه های قومی تشکیل دهنده ملت ما را حفظ کرد، و نهادهای دموکراتیکی که جای حکومت آپارتاید را می گیرند، چه شکل مشخصی باید داشته باشند.

مسئله فوق العاده مهم دیگر، ساختار اقتصاد کشور پس از آزادی است. تا آنجا که به این مسئله مربوط می شود، باید دو ضرورت مهم را با یکدیگر هماهنگ ساخت، از یک سو باید مناسبات تولیدی را در جهت برابری اقتصادی تغییر داد و از سوی دیگر، نیازهای مادی و انتظارات خلق را برآورده ساخت. در دراز مدت، این دو ضرورت هماهنگ می شوند، و از این هم فراتر، هر یک از آنها شرط اجتناب ناپذیر دیگری است. اما به اندازه کافی تجربه در باره "جش های بزرگ" فاجعه آمیز وجود دارد. این تهاجم، می آموزد که باید از تلاش ناسنجیده و شتاب زده برای رسیدن به سوسیالیسم اجتناب کرد. در شرایط آفریقای جنوبی، در مرحله پس از آزادی قطعاً برای بسیاری از بخشهای سرمایه داری غیر انحصاری خصوصی، جایگاهی وجود خواهد داشت.

همچنین باید دست به تجدید توزیع عادلانه ثروت زد. آزادی، چیزی فراتر از کسب حق رای و تعویض سرود و پرچم است. محرومیت اکثریت مردم از شرکت در زندگی سیاسی، تنها یک وجه از ستم ملی را تشکیل می دهد. ستم ملی، قبل از هر چیز ریشه در اقتصاد دارد. از این رو باید پلافاصله تداپیری برای تجدید تقسیم زمین اتخاذ کرد، زیرا امروز ۸۷ درصد اراضی مطابق قانون در دست سفیدپوستان است، امری که از مهمترین ارکان ستم ملی به شمار می رود.

رژیم نژادپرست و متحدهای آن، دست به تهاجمی تمام عیار زده اند. آنها در صددند اتحاد میان ای. ان. سی و حزب کمونیست آفریقای جنوبی را تخریب کنند. فعالیت حزب ما، خواب آرام را از چشمان پوتا، کابینه او، وزارت خارجه آمریکا و اکثر متحدهای غربی آفریقای جنوبی ربوده است. با آنکه حملات علیه اتحاد ما روبه افزایش است، ما ایمان داریم که این حملات موفقیت آمیز نخواهد بود. مناسبات میان ای. ان. سی و حزب کمونیست آفریقای جنوبی، که از نوع خود بی نظیر است، مورد حمایت مردم است. مردم این حمایت را در خیابانهای شهرها که نبرد در آنجا در می گیرد، علناً ابراز می کنند. در تظاهرات و سایر اقدامات توده ای، پرچم های حزب کمونیست آفریقای جنوبی معمولاً در کنار پرچمهای ای. ان. سی در اهتزاز است. مردم، خیابانها و مدارس را به نام سولان حزب مانام گذاری می کنند. اقشار گسترده زحمتکشان و بسیاری از جوانان، در سوسیالیسم شیوه آینده زندگی را می بینند.

اتحاد میان ای. ان. سی و حزب ما، ریشه عمیقی در واقعیت آفریقای جنوبی دارد و حاوی هیچ چیز سری و برنامه مخفی نیست. اینکه مناسبات ما چنین پایدار و نزدیکند و کمونیستها در مجامع رهبری جنبشهای ملی، سندیکایی و دیگر جنبشهای توده ای شرکت دارند، مطابق با سبک همکاری حزب ما با این جنبشها است که به لحاظ تاریخی شکل گرفته است. ما همواره به استقلال، تمامیت و دموکراسی درونی سازمانهای توده ای احترام گذاشته و از آن دفاع کرده ایم. عملکردی جز این، به این معنا نبود که این سازمانها را از رشد توان خلق خود محروم سازیم و به جای رهبری کردن این سازمانها، آنها را به ابزار تهدیل کنیم.

میان ما و کنگره ملی آفریقا در رابطه با هدف

پلافاصل، یعنی پیروزی انقلاب ملی - دموکراتیک، هیچگونه اختلاف نظری وجود ندارد. هدف عمده از این انقلاب، محورثادپرستی و ایجاد یک آفریقای جنوبی واحد دموکراتیک طبق اصول "منشور آزادی" (منشور کنگره ملی آفریقا - اکثریت") است. شکل ساختار اجتماعی پلافاصله پس از سرنگونی آپارتاید نیز مورد توافق ما است. اما حزب ما پنهان نمی کند که هدف نهایی آن، ساختار آفریقای جنوبی سوسیالیستی است. کمونیستها نیروی زیادی صرف ترویج چشم اندازهای سوسیالیسم و سازماندهی طبقه کارگر می کنند. ما این عقیده خود را پنهان نمی داریم که دستیابی به دموکراسی، ما را به سوسیالیسم نزدیکتر خواهد ساخت. اما در عین حال، محورثادپرستی، کام ضروری مهم و مطلوبی برای بهبود شرایط زندگی مردم است، و مبارزه در راه این هدف مستلزم اتحادی شامل طیفی گسترده از نیروهای اجتماعی است.

اتحاد ما با ای. ان. سی از این امر سرچشمه می گیرد. این اتحاد، وابسته به این نیست و نباید باشد که ای. ان. سی یا هر نیروی ضد نژادپرست دیگری نیز، سوسیالیسم را هدف نهایی پیکار رهایی بخش می داند یا نه. دلایل زیادی برای ما وجود دارد که معتقد باشیم در آفریقای جنوبی واقعاً دموکراتیک، این مسئله که چگونه می توان به رهایی اجتماعی رسید، می تواند از طریق مبارزه نظرات حل شود، بدون آنکه کار به درگیریهای خیابانی بکشد.

در دوره آتی، وظایف مهم بسیاری، نه تنها در عرصه تئوریک، بلکه مهمتر از آن، در پراتیک انقلابی در انتظار ما است. باید رهبری مخفی حزب و جنبش رهایی بخش ملی در کشور را تقویت کرد. باید شیوه های جدیدی برای انطباق دادن فعالیت سازمانهای علنی توده ای با شرایط وضعیت فوق العاده یافت. حوزه عمل اقدامات علنی توده ای، بی تردید کوچک تر شده است. آشکار است که دیگر اقدامات بزرگ خیابانی، با موقعیت انطباق ندارد. مهم، یافتن وسایل دیگر برای ادامه تهاجم است.

باید ضربات مسلحانه باز هم سهمین تری بر دشمن وارد آورد. قهر انقلابی، همچنان عنصر عمده ای از مبارزه سیاسی است. در سال ۱۹۸۶، ما بیش از هر زمانی در گذشته عملیات مسلحانه انجام داده ایم. اما از آنجا که امکانات برای مخالفت علنی و نیمه علنی توده ای کاهش یافته است، وظایف شاخ مسلح جنبش رهایی بخش بیشتر شده اند. مهمترین وظایف، یافتن روشهای موثر برای تأمین رابطه با گروه های مبارز در حال شکل گیری میان جوانان و کارگران و رهبری و حمایت مادی از آنها است.

بطور کلی باید ساختار تشکیلاتی جنبه رهایی بخش را نیز تکامل بخشید تا پایگاه آن گسترش یابد. باید وحدت سندیکاها همچنان تحکیم شود. تهاجم متقابل دشمن، موقعیتی را ایجاد می کند که در برگیرنده فرصتهایی برای ادامه پیشروی انقلابی است. این امر از ما تدوین شیوه های تاکتیکی مناسبی را می طلبد.

اخیراً انتقاد از رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی در همه جا تقویت شده است. امروز امکانات بسیار بیشتری برای انزوی بین المللی رژیم وجود دارد. احزاب کمونیست و کارگری در سراسر جهان، همچون گذشته در صف مقدم کسانی قرار دارند که خلقها را در مبارزه علیه آپارتاید پیچ می کنند. ما برای این تلاشها، که وفاداری تاریخی ما را به همبستگی برادرانه انترناسیونالیستی با مبارزان جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری تقویت می کند، ارزش زیادی قائلیم.

بلوای تازه در فرانکفورت

در روز جمعه دوازدهم ژوئن، در دانشگاه فرانکفورت آلمان فدرال، یکبار دیگر عده‌ای از آشوبگران بلوا برپا کردند. آنها این بار باتوسل به فحاشی و هتاکی کوشیدند جلوی فعالیت هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را سد نمایند که در نتیجه آن میان طرفین، درگیری پدید آمد در توضیح علل این درگیری اعلامیه‌ای از سوی اعضا و هواداران راه کارگر در این شهر منتشر گردید. در این اعلامیه آمده است درگیری با انتساب "افتراشات و اتهامات ناشایست" و "یکبار بردن کلمات رکیک لمپنی که حرمت قلم اجازه بازگو کردن آنرا نمی‌دهد" از سوی عده‌ای "افراد ناسالم غیرسیاسی" آغاز شد. در پی آن دو تن از فعالین راه کارگر به دفاع از حقیقت و شرف خویش برخاستند "کشاکش پدید آمده بامداخله دیگران فروکش کرد."

در اعلامیه مزبور تاکید شده است که لزوم برخورد سیاسی در برابر هتاکها "بدان معنی نیست که همواره در برابر فحاشی غیرسیاسی و لمپنی برخوردی قابل کنترل تشمین شده باشد، و در مقابل تجاوزات مقاومتی صورت نمی‌گیرد. چرا که اگر در مقابل تجاوز ایتادگی نکنیم، آزادی و دموکراسی بر باد رفته است. پس برای آنکه از دموکراسی پاسداری

کنیم لازم است که در مقابل متجاوزین به حقوق پایه‌ای و انسانی دیگران با صراحت کامل مبارزه نمائیم."

در این اعلامیه همچنین خواسته شد "عناصر معلوم الحال حرفه‌ای" که هویتی جز هیاهو و جنجال در اطراف مخالفین خود و زمینه‌سازی آشوب و بلوا و دل مشغول کردن خود به آن به عنوان "مبارزه" ندارند... افشا و طرد و بایکوت "کردند."

در برابر این اعلامیه، آشوبگران که به خود عنوان "کمیته هماهنگی نیروهای مترقی در فرانکفورت" (۱) را داده‌اند، اعلامیه‌ای منتشر کردند. در اعلامیه اخیر به راه کارگر هشدار داده شد که "بایستی بصورت مشخص و کتبی حرکات خود را... محکوم نماید."

همچنین درگیری فرانکفورت، همان کسانی هستند که در سال گذشته در چماق کشتی علیه هواداران سازمان ما، چندین بار در دانشگاه فرانکفورت تشنج و آشوب پدید آورده بودند. در اوایل ماه مه امسال نیز متتایان آنها در بروکسل پایتخت بلژیک به حرکات مشابهی علیه هواداران سازمان ما و حزب توده ایران دست زده بودند.

نشریه فدایی و سازمان مجاهدین خلق

نشریه فدائی که تا کنون

می‌کوشید از اظهار نظر پیرامون نظرگاهها و کارکرد سازمان مجاهدین خلق، اجتناب کند، در پاسخ به اعتراض یکی از خوانندگان خود، از این سبک کار انتقاد کرده و وعده تصحیح آن را داده است. این نشریه (شماره ۳۶) در برابر این پرسش که "چرا نمی‌کوشید مجاهدین نیروی ماهیتا ارتجاعی است" پاسخ داد "ما به چنین احکامی اعتقاد نداریم... توجه داریم که دادن چنین حکم‌هایی سکه رایج است... خود سازمان مجاهدین در یکبار بردن چنین روشهایی کوی سبقت را از دیگران رها کرده است." در ادامه این پاسخ، اظهار نظر گردید "نمی‌مبارزه مجاهدین و تعمیم دادن جوانب ضد دموکراتیک سیاستها و روشهایشان و چشم‌پوشی بر جوانب مترقی آن، نادرست و بی پایه است و راه به جایی نمی‌برد. ما باید هم مشی ضد دموکراتیک و جوانب منفی مجاهدین را در نظر بگیریم و هم نقش عملی و تاثیر مثبت آنها در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی را."

در حین پاسخ باتاکید بر دموکراسی، آمده است "مجاهدین جدا از ادعای خود آنان، به دموکراسی اعتقاد دارند... چشم انداز یک حکومت مذهبی دیگر را برای توده ترسیم می‌کنند... مجاهدکاری به انتخاب مردم ندارد." از همین زاویه، مناسبات داخلی این

سازمان نیز نقد گردیده و گفته شده است که "مجاهد نه تنها از دخالت دادن نظر توده خود را بی‌نیاز میداند، حتی برای اعضاء سازمان نیز حق وامکان اظهار نظر در مسائل مهم سازمانی و سیاسی وجود ندارد."*

طرحهای نظامی سازمان مجاهدین

به مناسبت سالگرد ۲۰ خرداد، از سوی مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق پیامی صادر گردید. در این پیام گفته شده است که از این پس عنوان نیروهای مسلح این سازمان "ارتش آزادیبخش ملی" خواهد بود. رهبر سازمان مجاهدین همچنین در یک سخنرانی در یکی از پایگاههای مجاهدین در عراق، برداشتهای خود را از این تغییر عنوان و موقعیت و وظیفه کنونی نفرت مسلح این سازمان تشریح کرد. وی با تاکید بر "پیدا کردن جغرافیای مناسب برای ارتش آزادیبخش ملی" گفت "جنگ امروز البته با خطا آزاد سازی منطقه، خط کلاسیک آزاد کردن مناطق که در برخی دیگر از انقلابات پیگیری شده بکلی متفاوت است... شعار اصلی هم شعار حول مسئله زمین و قس علی‌ذلک نیست. بلکه صلح است و آزادی." مسعود رجوی اضافه کرد که در شرایط کنونی منطقه عملیات نظامی "در مرزهای جنگی و در شهرها" خواهد بود.*

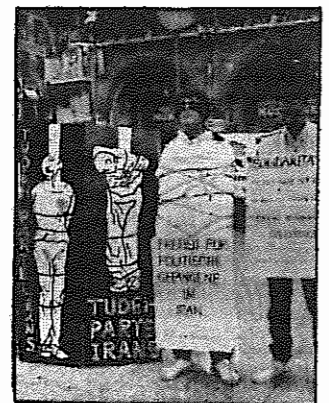
تفسیر بورژوازی از "حق پناهندگی"

کشورهایی که با آن رابطه دیپلماتیک دارد - یعنی کشورهای امپریالیستی و ارتجاعی - به محکومین به اعدام اجازه خروج از کشور بدهد.

۱۴ عضو میر که خطر، جان آنها را تهدید می‌کند، از آلمان فدرال تقاضای صدور و ایدید کردند. این امر در آلمان فدرال باعث مباحث و موضعگیریهایی شد که پرده از چهره واقعی احزاب و سیاستمداران بورژوا بر گرفت. تسیرمن، وزیر کشور مرتجع دولت هلموت کول، شدیداً با پذیرش تقاضای ویزای انقلابیون، شیلیایی مخالفت می‌کند. از نظر او، بهتر است اعضای میر اعدام شوند ولی به آلمان فدرال نروند. تسیرمن، حضور دموکراتهای شیلیایی در آلمان فدرال را "خطری برای امنیت کشور" می‌داند. گنشر، وزیر خارجه که در آغاز برای گرفتن ژست لیبرالی، قول مساعد برای پذیرش ۱۴ متقاضی

آلمان فدرال، از جمله کشورهای سرمایه‌داری است که ایدئولوگها و مبلغان بورژوازی آن، بسیار به حقوقی که در قانون اساسی آن درج شده است، از جمله "حق پناهندگی"، می‌نازند. اما تجربه سالهای اخیر نشان داده است آنجا که پای منافع واقعی بورژوازی به میان می‌آید، همه لغاظی‌ها و ادعاها درباره دموکراسی و آزادی، دیگر برای سرمایه‌پشیزی ارزش ندارند.

اخیراً دادستانی رژیم فاشیست پینوشه در شیلی، برای ۱۴ تن از اعضای جنبش چپ انقلابی (میر) تقاضای صدور حکم اعدام کرده است. انتظار می‌رود این عده، به اعدام محکوم شوند. رژیم پینوشه در موارد مشابه، حاضر شده است در صورت صدور روادیداز سوی یکی از



عکس فوق که در شماره ۲۸ ژوئن "زوددویچه تساتیونگ" روزنامه بر تیراژ آلمانی به چاپ رسیده است، صحنه‌ای از یک حرکت افشاگرانه را در جریان یک اعتصاب غذا در مونیخ (آلمان فدرال) نشان می‌دهد. این اعتصاب که در روز به طول انجامید، در حمایت اوزندانیان سیاسی ایران صورت پذیرفت و در آن فدائیان خلق و توده ایها شرکت داشتند.*

پناهندگی داده بود، بدنبال موضعگیری تسیرمن به یکباره "آزادی" و "دموکراسی" و... را یک سره فراموش کرد و گفت باید دید نتیجه تحقیقات چه می‌شود، و آیا اعضای میر، آنگونه که رژیم پینوشه مدعی است، تروریست هستند یا نه!

در قانون اساسی آلمان فدرال آمده است: "تعقیب شدگان سیاسی، حق پناهندگی دارند." واقعیت زندگی نشان می‌دهد که بورژوازی علا تاچه حد به آنچه خود بعنوان قانون اعلام می‌کند، پایبند است. در حالیکه از نظر دولت بن، مبارزان راه آزادی شیلی و مخالفان رژیم پینوشه که دستش تا مرق به خون دهها هزار نفر آلوده است، "تروریست" محسوب می‌شوند، تورکش، سرکرده فاشیستهای ترک اخیراً وارد آلمان فدرال شده و اینجا و آنجا سخنرانی می‌کند. این جنایتکار که مسئول مستقیم قتل دهها تن از شخصیت‌های آزادیخواه و مترقی در ترکیه است، البته از نظر دولت بن تروریست نیست!*



* اشغالگران اسرائیلی، خانه این زن فلسطینی را که مادر سه تن از مبارزان جنبش مقاومت است، در کرانه غربی رود اردن ویران کرده اند. این، شیوه مرسوم صهیونیستهاست که از طریق تخریب خانه‌ها، به ارباب مردم دست بزنند.

اخبار کوتاه

● آندره گرومیکو، صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در گفتگو با طارق عزیز وزیر خارجه عراق در مسکو خواهان قطع خونی‌ریزی بی سرانجام در جنگ ایران و عراق شد. وی پشتیبانی کشورش را از تلاش‌های سازمان ملل متحد به منظور برقراری آتش بس میان ایران و عراق اعلام کرد. همچنین میخائیل گارباجف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی طی مذاکرات خود با خاویر پرز و کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد، گفت کشورش خواهان قطع جنگ ایران و عراق و تشنج در خلیج فارس است. ورنون والتر نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد به منظور گفتگو پیرامون قطعنامه مطروحه در شورای امنیت علیه جنگ ایران و عراق عازم اتحاد شوروی و چین شد.

● جمعه گذشته هواپیماهای نظامی اسرائیلی دره بقاع لبنان را بمباران کردند. در جریان این حمله، ۱۰ نفر غیرنظامی، از جمله پنج کودک و سه زن مجروح شدند.

● در شیلی بدن‌های اعتراضات گسترده علیه تقاضای حکم اعدام برای ۱۴ تن از اعضای جنبش چپ انقلابی (میر)، ۵۰۰ زندانی سیاسی علیه خطری که جان این انقلابیون را تهدید می‌کند، دست به اعتصاب غذا زده اند. پلیس پینوشه، ۳۰۰ دانشجو را پس از اعتراضات سراسری در دانشگاه‌های این کشور، دستگیر کرد.

● کنفرانس بین‌المللی روزنامه‌نگاران کشورهای غیر متعهد در کابل برگزار شد. رفیق نجیب دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان، در این کنفرانس به تشریح جوانب گوناگون روند آشتی ملی در افغانستان پرداخت و گفت تاکنون ۶۰ هزار تن از مردم افغان که به خارج مهاجرت کرده بوده اند، به کشور بازگشته اند. بیش از ۲۵ هزار تن از اعضای سابق گروه‌های ضد انقلابی، به صف نیروهای انقلاب پیوسته اند.

عقب نشینی دیکتاتوری کره جنوبی

چاری برگزار شود. در کره جنوبی بنا به گفته کیم یونگ سام، یکی از رهبران اپوزیسیون، ۲ هزار زندانی سیاسی وجود دارد.

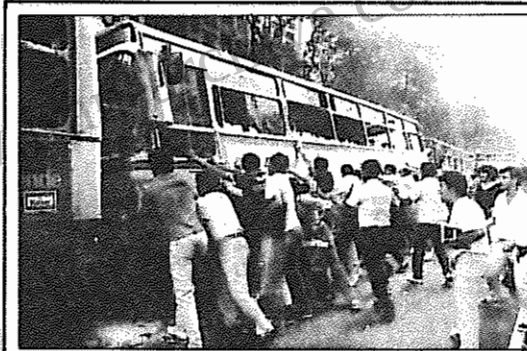
سئول جمعه گذشته نیز شاهد تظاهرات ۲۰ هزار نفره دانشجویان علیه رژیم چون دو هوان بود. در متینگ مزبور، دانشجویان به بحث پیرامون مشی سیاسی آینده جنبش خود پس از عقب‌نشینی دیکتاتوری پرداختند. کارگران و دانشجویان، بخش رادیکال اپوزیسیون کره جنوبی را در برابر سیاستمداران پورژوا-لیبرال نظیر کیم دای چونگ و کیم یونگ سام و احزاب آنها تشکیل می‌دهند. مهمترین ضعف اپوزیسیون رادیکال ضد امپریالیست کره جنوبی، عدم تشکیل آن است. در حالیکه کارگران کره جنوبی قربانیان اصلی سیاست اقتصادی "صادرات به هر قیمت" محسوب می‌شوند و در ازای دستمزدهای ناچیز، بطور متوسط در هفته ۵۵ ساعت کار می‌کنند، در این کشور به علت سن ضد کمونیستی، اتحادیه‌های کارگری نیرومند وجود ندارد.

بدن‌های پیروزی مرحله‌ای جنبش و اعلام انتخابات مستقیم، دوره آتی نشان خواهد داد که اپوزیسیون رادیکال کره جنوبی به ویژه طبقه کارگر، تا چه حد خواهد توانست علیرغم ضعف سازمانی خود، مهر خویش را بر رویدادها بکوبد.

چون دو هوان دیکتاتور کره جنوبی، در یک سخنرانی رادیو تلویزیونی، چهارشنبه گذشته اعلام کرد پیشنهادی روتانه و رهبر حزب حاکم "عدالت" را برای غلبه بر بحران سیاسی داخلی "بطور کامل" می‌پذیرد. وی گفت انتخاب رئیس جمهور آینده، طبق قانون اساسی جدیدی و بطور مستقیم، در انتخابات همگانی انجام خواهد گرفت. "چون" افزود وی در ۲۵ فوریه ۱۹۸۸ با پایان دوره ریاست جمهوری خود، زمام امور را به رئیس جمهور منتخب خواهد سپرد. بدین ترتیب، دیکتاتوری سئول بدن‌های اعتراضات پیسابقه توده‌ای، ناچار شد تصمیم ۱۲ آوریل امسال خود را دایر بر به تعویق افکندن مباحثات پیرامون قانون اساسی جدید، پس بگیرد.

ژنرال چون گفت زندانیان سیاسی به "استثنای عده معدودی" آزاد خواهند شد. وی افزود "توصیه‌های آقای رو" در مورد آزادی مطبوعات را پذیرفته است.

در پی عقب‌نشینی دیکتاتوری، که در حال پیروزی جنبش مردمی محسوب می‌شود، "ائتلاف ملی برای قانون اساسی دمکراتیک" دعوت به برگزاری یک متینگ بزرگ برای آزادی فوری همه زندانیان سیاسی کرد. قرار است این متینگ در هفته



در اعتراض به افزایش بهای بلیط اتوبوسهای شهری در ریودوژانیرو، مردم دست به تظاهرات دامنه‌داری زده و خواهان لغو این تصمیم شدند. دولت برزیل در برابر مردم که خیابانها را مسدود کرده و اتوبوسها را آتش می‌زدند، دست به عقب‌نشینی زد و این تصمیم را پس گرفت.

تصویب سه قانون مهم در اتحاد شوروی

شوروی، بررسی همگانی مسائل مهم و اظهار نظر افکار عمومی در این باره، ممکن بود اما الزامی نبود. از این پس، جمهوریها، مناطق و شهرهای جداگانه نیز می‌توانند موضوع‌های معینی را به اظهار نظر عمومی بگذارند. آندره گرومیکو، صدر هیات رئیسه شورای عالی، ضمن ارائه گزارش پیرامون این قانون گفت دمکراتیزه کردن هر چه بیشتر جامعه، "مستلزم مکانیزمی با عملکرد دقیق برای رسیدن به عقاید عمومی است". گرومیکو اعلام کرد قوانین دیگری نیز برای گسترش علنیت در جامعه به بررسی گذاشته خواهد شد.

وبالآخره قانون سوم، ترتیب شکایت اشخاص جداگانه و گروه‌های کار از ماموران دولتی را مقرر می‌دارد. طبق این قانون، شهروندان شوروی می‌توانند در صورت احساس نقض حقوق خود و عدم رسیدگی به شکایت از سوی ارکان مافوق یک مامور یا نهاد دولتی، به دادگاه شکایت کنند.

شورای عالی اتحاد شوروی، هفته گذشته سه قانون مهم را تصویب کرد. قانون موسسات دولتی، که هفته گذشته خبر از تصویب قریب الوقوع آن دادیم، موسسات اقتصادی شوروی را موظف به رعایت اصول حسابداری، خودکفایی مالی و سودآوری می‌سازد. طبق این قانون در صورت عدم سوددهی یک واحد، آن واحد می‌تواند از سوی ارکان بالاتر تعطیل گردد و کارکنان آن به موسسات دیگر انتقال خواهند یافت. قانون مزبور، دخالت ارکان‌های مرکزی را در اداره موسسات محدود می‌کند و حقوق و اختیارات کارکنان را افزایش می‌دهد. از این پس، استقلال کامل اقتصادی، سودآوری و تولید کالاهای مورد نیاز مردم، معیارهای اصلی را در فعالیت اقتصادی موسسات دولتی تشکیل خواهند داد.

"قانون درباره اظهار نظر مردم پیرامون امور مهم دولتی"، مقرر می‌دارد درباره تصمیم‌گیریهای مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از مردم اتحاد شوروی نظرخواهی به عمل آید. طبق قانون اساسی اتحاد



نظری بر تصمیمات آخرین اجلاس اوپک

تثبیت بها و مقابله بانوسانات بازار نفت

باتصمیمات مهم اجلاس دسامبر ۸۶، می‌تواند در دریافت نقش تصمیمات اجلاس اخیر، راهگشا باشد.

سلف تولید نفت اوپک

تصمیمات اجلاس اخیر اوپک را می‌توان به یک عبارت، ادامه منطقی تصمیمات اجلاس دسامبر ۸۶ این سازمان - هشتاد و پنجمین اجلاس اوپک - تلقی کرد، منتهی با در نظر گرفتن یک تفاوت، و آن اینکه، تلاش وزرای نفت کشورهای عضو در اجلاس دسامبر ۸۶، آن بود که با تحدید عرضه نفت تولیدی کشورهای عضو، بهای نفت در بازارهای جهانی افزایش یابد؛ حال آنکه وزرای نفت در اجلاس اخیر کوشیدند تا با محدود کردن عرضه این ماده سوختی موجبات تثبیت بهای آن را فراهم سازند. «بالکالظم بقیه در صفحه ۷»

روز ۲۸ ژوئن، خبرگزاریهای بین‌المللی اعلام کردند که اجلاس اخیر وزرای نفت سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در وین به کار خود خاتمه داده است. انتشار این خبر باعث افزایش بهای نفت تا حد ۱۹ دلار به ازای هر بشکه در بازارهای جهانی گردید. موضوع اصلی اجلاس سه روزه وزرای نفت ۱۲ کشور عضو، دستیابی به یک توافق مشترک در زمینه تعیین سقف نفت تولیدی اوپک برای شش ماه دوم سال میلادی بود. وزرای نفت کشورهای عضو در این اجلاس تصمیم گرفتند به منظور تثبیت بهای نفت - ۱۸ دلار برای هر بشکه - سقف نفت تولیدی اوپک در شش ماه دوم سال میلادی را تا حد ۱۶/۶ میلیون بشکه در روز محدود نمایند. نگاهی به مصوبات اجلاس اخیر اوپک از زاویه قیاس

سیستان و بلوچستان (۲)

زندگی در فراسوی فقر



مزارع خشکیده، بی کشت مانده است. دهقان بلوچ در جستجوی کار و نان راهی شهر می‌شود در بخش اول این مقاله با ارائه طرحی از روستای "ریگ چاری" گوشه‌ای از رنج بیکران زحمتکشان بلوچ و سیستانی را بیان کردیم. در بخش دوم، فقر و محرومیت حاکم بر این استان را از چند زاویه می‌نگریم. استان سیستان و بلوچستان در

شکاف در بنای پوسیده آپارتاید

نوشته جوسلوو، دبیر کل حزب کمونیست آفریقای جنوبی

۲۲ ژوئن (اول تیرماه) امسال نیز چون سالهای گذشته، روز جهانی همبستگی با مبارزه مردم آفریقای جنوبی علیه آپارتاید برگزار شد. این در حالی است که در پی اوج گیری این مبارزه در سالهای اخیر، خلق آفریقای جنوبی هیچگاه تابیدن حد به پیروزی و راهی خوش نزدیک نبوده است. در این شماره، مقاله‌ای از رفیق جوسلوو دبیر کل حزب کمونیست آفریقای جنوبی در باره اوضاع جاری این کشور راه چاپ می‌رسانیم.

رفیق جوسلوو که در سال ۱۹۲۶ در لیتوانی (چیزی از لهستان آن روز) متولد شد، در سن ۹ سالگی همراه با خانواده‌اش به آفریقای جنوبی مهاجرت کرد. وی فعالیت سیاسی خود را از ۱۶ سالگی با رهبری اعتصاب کارگران یک شرکت تجاری آغاز کرد. سلوو در جنگ جهانی دوم به عنوان عضو لشکر ششم تانک آفریقای جنوبی شرکت جست و در صفوف متفقین در ایتالیا جنگید. اود هنگام تحصیل در رشته حقوق، به عضویت سازمان جوانان کمونیست و بعدها به عضویت حزب کمونیست درآمد. هنگامی که حزب در سال ۱۹۵۰ ممنوع شد، جوسلوو به اتفاق جمعی دیگر از رفقای خود،

عهد دار رهبری مبارزه مخفی گردید. در سال ۱۹۵۲ سلوو به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست آفریقای جنوبی برگزیده شد. وی در بسیاری از محاکمات سیاسی مشهور وکیل مدافع متهمان بود. سلوو در جریان محاکمه معروف ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۱ (که نلسون ماندلا نیز از متهمان آن بود)، هم یکی از ۱۵۶ متهم و هم نماینده وکلای مدافع بود. سلوو به علت فعالیت انقلابی خویش بارها به زندان افتاد. وی، یکی از بنیانگذاران ارتش خلقی "اومکونتوو سیزوه" (نیزه خلق)، شاخه مسلح کنگره ملی آفریقا است. سلوو از تئوریسین‌های برجسته در عرصه استراتژی و تاکتیک نظامی است. او کتابی نیز با عنوان "آفریقای جنوبی - راه میانه‌ای وجود ندارد" نگاشته است. جوسلوو در سال ۱۹۸۴ به سمت صدر ملی حزب، در سال ۱۹۸۵ به عضویت کمیته اجرایی کنگره ملی آفریقا، و در سال ۱۹۸۶ به عنوان دبیر کل حزب کمونیست آفریقای جنوبی برگزیده شد.

در صفحات ۱۱، ۱۲ و ۱۳ متن کامل مقاله‌ای از جوسلوو، ترجمه از شماره ۶ سال ۱۹۸۷ مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" را می‌خوانید.

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك «کوپن بین‌المللی پستی» و یا رسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه «کار»:
۱۶ مارك	۱۴ مارك	شش ماهه ☐
۳۰	۲۷	يك ساله ☐

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك نشریه «اکثریت»:
۳۶ مارك	۳۳ مارك	سه ماهه ☐
۷۰	۶۴	شش ماهه ☐
۱۳۸	۱۲۵	يك ساله ☐

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 164
MONDAY, JUL 6, 87

آدرس: **Address:**
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA .WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید